



740 East Arques Avenue
Sunnyvale, CA 94085
MasihiatCheest@IccSunnyval
e.com

مسیحیت چیست؟

چاپ دوم، سپتامبر ۲۰۱۱

A100 نسخه

متن آیات از کتاب مقدس، ترجمه قدیم میباشند

حق چاپ محفوظ است

Copyright © 2011 by Iranian Christian Church (ICC)

All rights reserved worldwide

فهرست

۲	موقعیت اول (انسان در حضور خدا)
۲	خدا کیست و چرا خدا انسان را آفرید؟
۳	زندگی و موقعیت انسان در حضور خدا
۳	علت جدا شدن انسان از خدا
۴	شیطان کیست؟
۶	سئوالات موقعیت اول و پاسخ به آنها
۱۱	موقعیت دوم (انسان جدا از خدا)
۱۱	وارد شدن گناه به زندگی بشر و تأثیرات آن
۱۲	تأثیر جدایی از خدا در زندگی امروز بشر
۱۳	سعی و کوشش انسان برای بازگشت به حضور خدا
۱۴	علت فرستاده شدن قوانین الهی و شریعت
۱۷	سئوالات موقعیت دوم و پاسخ به آنها
۳۷	موقعیت سوم (خدا به دنبال انسان)
۳۷	خواست ازلی خدا برای زندگی انسان
۳۷	نتیجه و سزای گناه
۳۸	پیشگویی ها در کلام مقدس درباره نجات انسان
۳۸	آمدن خدا بر روی زمین
۳۹	تثلیث اقدس
۴۱	سئوالات موقعیت سوم و پاسخ به آنها
۴۸	موقعیت چهارم (برگشت انسان به حضور خدا)
۴۸	چگونه به حضور خدا باز گردیم؟
۴۹	تأثیرات دریافت نجات در روح ما
۴۹	تبدیل روح و تأثیر آن بر زندگی انسان
۵۲	سئوالات موقعیت چهارم و پاسخ به آنها
۵۷	آشنائی با کتاب مقدس
۵۷	محتوای کتاب مقدس
۵۸	کتاب عهد عتیق و عهد جدید
۶۰	معنی و تفسیر واژه ها
۶۳	عیسی مسیح خود را که میخواند؟
۶۷	شاگردان او را که میخواند؟
آخر	دی وی دی (DVD) تعلیمی چهار موقعیت

کلاس مسیحیت چیست؟

هدف:

هدف این کلاس این است که هر شاگرد:

- ۱- بداند که خدا کیست و در طول تاریخ چه کرده است.
- ۲- بداند عیسی مسیح کیست و برای ما چه کرده است.
- ۳- بداند نجات چیست و آن را دریافت کند.
- ۴- اطلاعات اولیه راجع به کلام خدا بدست آورد.
- ۵- قوانین خدا را بشناسد و زندگی مسیحی را تجربه کند.
- ۶- ارتباط شخصی با خدا برقرار نماید.

کتاب درسی:

کتاب درسی این کلاس کلام مقدس است و نت هایی که هر هفته به شاگردان داده می شود.

شرایط قبولی:

- انجام تکالیف هفتگی (خواندن کلام خدا)
- تست های هفتگی
- شرکت در کلاس ها بر اساس غیبت نکردن و سروقت آمدن
- امتحان نهایی

انسان در حضور خدا



خدا کیست و چرا انسان را آفرید؟

خدا خود را در کلامش نور، محبت، خالق هستی و خدای یکتا معرفی می کند. (اول یوحنا ۴: ۸) و (یوحنا ۱: ۱ - ۳) و چون خدا محبت است و محبت بدون محبوب معنا و مفهومی ندارد پس انسان را که محبوب اوست آفرید. خدا انسان را شبیه به خود و به صورت زن و مرد آفرید، او را برای مشارکت و دادن محبت به او آفرید. (پیدایش ۱: ۲۷ - ۲۸) غزل غزلها ۲: ۱۶). خدا مجبور نبود و احتیاج نداشت انسان را بیافریند بلکه در ذات الهی محبت محبوب (انسان) آفریده شد، همانطور که پدر زمینی به فرزندانش محبت می کند، خدا نیز که پدر آسمانی ماست انسان را که فرزندش است برای ابراز محبت به وجود آورد.

خدا زمین و کیهانشان را در عرض شش روز و یا شش قسمت آفرید. (پیدایش فصل ۱) همانطور که شما وقتی در انتظار نوزاد هستید اتاق و وسایل او را آماده می کنید و یا حتی گاهی پرستار برای نگهداری نوزاد معین می کنید. خدا نیز تمام دنیا را برای فرزندانش آفرید و فرشتگان را نیز برای پرستاری او آفرید. (پیدایش ۱: ۳۱، عبرانیان ۱: ۱۳-۱۴)

خدا آدم و حوا را در روی زمین و از خاک سرشت و انسان در روی زمین (در باغ عدن) در حضور خدا زندگی میکرد و بهشت در روی زمین بود (پیدایش ۲: ۷-۱۴)

انسان در حضور خدا

خدا انسان را شبیه خود آفرید (از نظر روحی و شخصیت نه از نظر فیزیکی) و به انسان هر آنچه را که برای یک زندگی پیروزمندانه بر روی زمین لازم بود عطا نمود و حتی قدرت تشخیص خوب و بد (معرفت نیک و بد) به او عطا شد. خدا هیچ چیز را از انسان دریغ نداشت و دنیا را با هر چه در آن بود به انسان داد که بر آن سلطنت کند. خدا باغ عدن را به او داد که نگهداری کند و حیوانات را به او داد که آنها را نامگذاری نماید و بر آنها مسلط شود. (پیدایش ۱: ۲۸، پیدایش ۲: ۱۵ - ۱۹)

زندگی و موقعیت انسان در حضور خدا:

آدم و حوا در حضور خدا در شادی، آرامش و آزادی کامل (صدرصد) بودند (پیدایش ۱: ۳۱ و پیدایش فصل ۲). همه چیز در حضور خدا برای آدم و حوا عالی و نیکو بود. در حقیقت خدا انسان را برای نیکویی آفریده بود. نیکو کاری و نیکو بودن جز خلقت انسان و جز وظایف انسان بود. آدم و حوا رو در رو با خدا ملاقات می کردند و از او ترس نداشتند. آنها در مقابل خدا عریان بودند و حتی شرم نداشتند و خجالت نمی کشیدند. (پیدایش ۲: ۲۵)

خدا به انسان آزادی کامل داده بود تا از همه درختان باغ بی ممانعت بخورد (پیدایش ۲: ۱۶) و حتی آیه ۲: ۱۷ که نشانه در خروجی (درخت معرفت) از باغ است این آزادی را تضمین می کرد. انسان آزاد بود که در حضور خدا بماند و یا با خوردن از درخت معرفت نیک و بد (درخروجی باغ) از حضور او خارج شوند. استفاده از هر دو حق آزادی (ماندن و نماندن) در زندگی او اثرات و نتایجی را داشت که آدم و حوا کاملاً به آن واقف بودند. خوردن از درخت معرفت نیک و بد به معنی تجربه کردن است تجربه ای شخصی و قابل لمس برای انسان.

خدا چون انسان را به شباهت خود آفریده بود پس او معرفت کامل نیک و بد را داشت. یعنی کاملاً می دانست که چه چیزی خوب است و یا چه چیزی بد است. او به معنای در حضور خدا بودن و خارج شدن از حضور او کاملاً آگاه بود. او می دانست که در حضور خدا بودن نیکویی است و از حضور او خارج شدن بدی است. پس این معرفت را داشت فقط بدی را تجربه نکرده بود و خوردن از آن درخت مساوی بود با تجربه کردن بدی در زندگی آنها و البته آنها نیازی به این تجربه نداشتند. همانطور که لزومی ندارد ما دست خود را در آتش ببریم تا تجربه کنیم که دست ما را می سوزاند. اگر کسی به ما بگوید که دست تو خواهد سوخت دیگر احتیاج به تجربه آن نیست.

علت جدا شدن انسان از خدا:

شیطان در پیدایش ۳: ۵ حوا را در مورد شبیه خدا شدن گول زد و وسوسه شیطان در قلب حوا این غرور را آتش زد که به خدا احتیاجی نخواهی داشت و باعث شد که از درخت معرفت بخورد. در حقیقت با تجربه شخصی بدی فکر می کرد، که از این به بعد احتیاجی ندارد که خدا به او بگوید که چه چیزی خوب است و چه چیزی بد است و خود او برتر از خدا خواهد شد.

انسان در حضور خدا

در پیدایش ۳ : ۱ - ۶ می بینیم که چگونه انسان به دلیل بی اطاعتی و حس خودکفایی که ریشه آن خودخواهی و غرور است از حضور خدا خارج شد. نقش شیطان تنها دعوت آدم و حوا به بی اطاعتی از خدا بود ولی قادر به مجبور کردن آنها نبود همانطور که امروزه نیز شیطان ما انسانها را وسوسه می کند ولی نمی تواند به انجام گناه وادار کند ، این انسان است که خود انتخاب می کند که به شیطان گوش دهد و دستورات او را اطاعت و اجرا کند .

شیطان کیست؟

شیطان یک فرشته است که از جنس روح می باشد ولی جنس روح او از جنس خدا نیست بلکه خدا فقط انسان را به این مقام نایل کرد که جنس روح او از جنس خدا باشد. فرشتگان به شباهت خدا آفریده نشده اند بلکه آنان خدمتکاران و پرستاران فرزندان خدا هستند. (عبرانیان ۱ : ۱۳ - ۱۴)

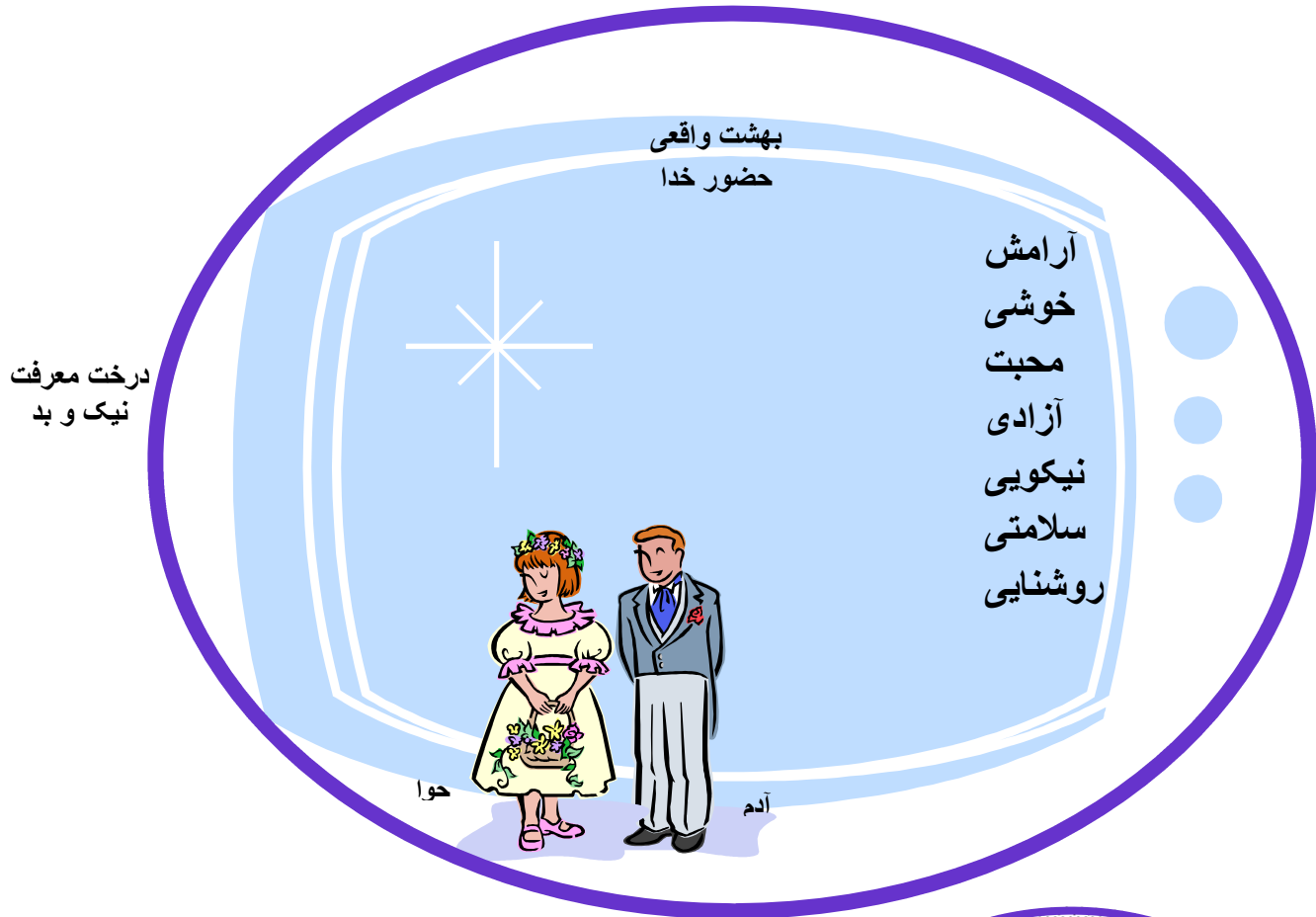
شیطان فرشته ای بود که در حضور خدا مقام بالائی داشت. کلام خدا در حزقیال می فرماید:

حزقیال ۲۸ : ۱۱ - ۱۹

۱۴ تو گروبی مسح شده سایه گستر بودی. و تو را نصب نمودم تا بر کوه مقدس خدا بوده باشی. و در میان سنگهای آتشین می خرامیدی. **۱۵** از روزی که آفریده شدی تا وقتی که بی انصافی در تو یافت شد به رفتار خود کامل بودی. **۱۶** اما از کثرت سوداگریت بطن تو را از ظلم پر ساختند. پس خطا ورزیدی و من تو را از کوه خدا بیرون انداختم. و تو را ای گروبی سایه گستر، از میان سنگهای آتشین تلف نمودم. **۱۷** دل تو از زیباییت مغرور گردید و به سبب جمالت حکمت خود را فاسد گردانیدی. **لذا تو را بر زمین می اندازم و تو را پیش روی پادشاهان می گذارم تا بر تو بنگرند**

شیطان می بایست همانند همه فرشتگان از انسان پرستاری ؛ خدمت محافظت کند و از انسان اطاعت نماید . اما شیطان به خاطر غرورش از حضور خدا خارج شد. در کلام خدا معلوم نمی کند که خطای او (بی انصافی در آیه ۱۵) دقیقا چه بوده است . در مذاهب گفته شده است که شیطان بخاطر سجده نکردن به انسان از حضور خدا اخراج شد . چنین چیزی در کلام خدا ثبت نشده است . اگر سجده کردن به معنی پرستش است که صحیح نیست چون همه موجودات خلق شده در آسمان و زمین می بایست خدا را سجده و پرستش کنند . اگر سجده به معنی خدمت بکار برده شده باشد باز این نیز در کلام خدا ثبت نگردیده است . فقط میدانیم که بخاطر غرور ؛ شیطان از حضور خدا اخراج شد (آیه ۱۷) . در همان هنگام به همراه او ثلث (یک سوم) فرشتگان دیگر که به فرشتگان و یا ارواح پلید معروف گشتند از حضور خدا افتادند. (اشعیاء ۱۴ : ۱۲ - ۱۵) و (مکاشفه ۱۲ : ۴) و کار این ارواح پلید در حال حاضر این است که فرزندان خدا را با خود به عذاب ابدی ببرند. آنان مخالف انجام اراده خدا برای ما انسان ها هستند . آنان می خواهند تمام دنیا را در تاریکی روحانی نگاه دارند .

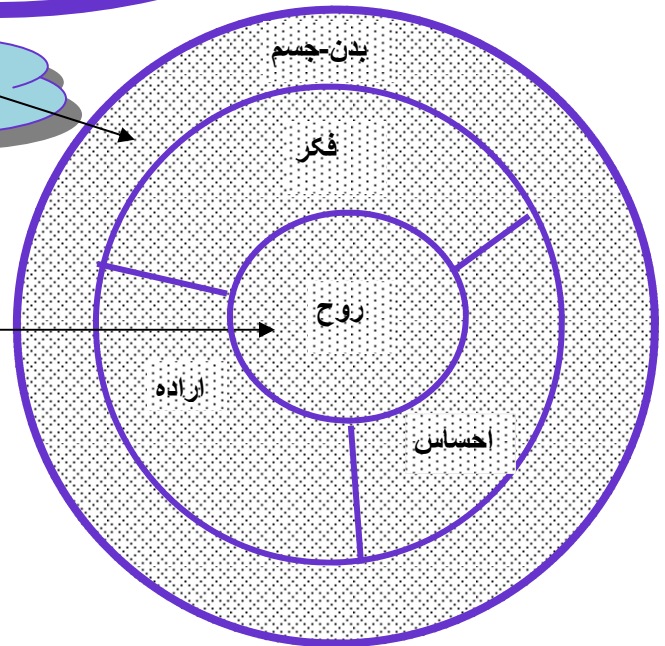
موقعیت اول
انسان در حضور خدا



از نظر فیزیکی زنده و بدن در اتحاد با روح و روان خدا

از نظر روحانی زنده و روح در اتحاد با خدا و از جنس نور (روشنایی)

سه قسمت تشکیل دهنده انسان
 ۱- جسم, بدن
 ۲- روان, فکر, احساسات, اراده
 ۳- روح



خلقت اولیه انسان
پیدایش فصل ۱ و ۲

انسان در حضور خدا

پاسخ به سؤالات

خدا کیست؟

خدا محبت است ، خدا نور است و او یکتاست ، قادر مطلق ، خالق و آفریننده .

اول یوحنا ۴ : ۸

وکسی که محبت نمی نماید، خدا را نمی شناسد زیرا خدا محبت است.

یوحنا ۱ : ۱-۳

^۱ در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود. ^۲ همان در ابتدا نزد خدا بود. ^۳ همه چیز به واسطه او آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت. ^۴ در او حیات بود و حیات نور انسان بود. ^۵ و نور در تاریکی می درخشد و تاریکی آن را در نیافت.

به چه دلیل خدا ما را آفرید؟

خدا محبت است و محبت ایجاب می کند که محبوب وجود داشته باشد ، محبت بدون محبوب معنی ندارد؛ خدا انسان را شبیه خود آفرید و انسان را بطور مساوی و به صورت زن و مرد آفرید. او انسان را برای مشارکت و برای دادن محبت به آنها آفرید؛ چون انسان محبوب خداست..

پیدایش ۱ : ۲۶-۲۸

^{۲۶} و خدا گفت: «آدم را بصورت ما و موافق شبیه ما بسازیم تا بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و بهایم و بر تمامی زمین و همه حشراتی که بر زمین می خزند، حکومت نماید.» ^{۲۷} پس خدا آدم را بصورت خود آفرید. او را بصورت خدا آفرید. ایشان را نر و ماده آفرید. ^{۲۸} و خدا ایشان را برکت داد و خدا بدیشان گفت: «بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و در آن تسلط نمایید، و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیواناتی که بر زمین می خزند، حکومت کنید.»

غزل غزلهای ۲ : ۱۶

محبوبم از آن من است و من از آن وی هستم.

انسان در حضور خدا

پاسخ به سؤالات

بهشت کجاست ؟

هر کجا که خدا هست در آنجا حضور او باعث ۱۰۰٪ آرامش ، ۱۰۰٪ شادی ، محبت و آزادیست و آنجا بهشت است . زندگی و مشارکت رو در روی ما با خدا ؛ زندگی در بهشت است. این بهشت میتواند از همین زمین شروع شود و تا آسمان و تا ابد ادامه پیدا کند.

آیا آدم و حوا وقتی آفریده شدند در روی زمین بودند یا در آسمان ؟ آیا آنجا بهشت بود ؟

خدا آدم و حوا را در روی زمین و از خاک زمین سرشت . در روزی که خدا آسمان و زمین را آفرید کلام خدا می گوید هرچه خدا آفرید بسیار نیکو بود ، انسان در روی زمین در حضور خدا زندگی می کرد و بهشت روی زمین بود .

پیدایش ۲: ۷-۸	خداوند خدا پس آدم را از خاک زمین سرشت و در بینی وی روح حیات دمید، و آدم نفس زنده شد. ^۷ و خداوند خدا باغی در عدن بطرف مشرق غرس نمود و آن آدم را که سرشته بود، در آنجا گذاشت.
پیدایش ۱: ۳۱	و خدا هرچه ساخته بود، دید و همانا بسیار نیکو بود. و شام بود و صبح بود، روز ششم.
پیدایش ۲: ۹-۱۴	و خداوند خدا هر درخت خوشنما و خوش خوراک را از زمین رویانید، و درخت حیات را در وسط باغ و درخت معرفت نیک و بدرا. ^۹ و نهری از عدن بیرون آمد تا باغ را سیراب کند، و از آنجا منقسم گشته، چهار شعبه شد. ^{۱۰} نام اول فیشون است که تمام زمین حویله را که در آنجا طلاست، احاطه می کند. ^{۱۱} و طلای آن زمین نیکوست و در آنجا مروارید و سنگ جزع است. ^{۱۲} و نام نهر دوم جیحون که تمام زمین کوش را احاطه می کند. ^{۱۳} و نام نهر سوم حدقل که بطرف شرقی آشور جاری است. و نهر چهارم فرات.

انسان در حضور خدا

پاسخ به سؤالات

خدا کهکشان و جهان را در عرض چند روز آفرید؟ معنی این ۶ روز چیست؟ آیا این روزها ۲۴ ساعت است؟

خدا جهان را در عرض ۶ (شش) قسمت یا روز آفرید (فصل ۱ پیدایش) معنی لغت روز را در این آیات میتوان به معنی ۲۴ ساعت تفسیر کرد. که بعضی از معلمان الهیات این مطلب را باور دارند. ولی بیشتر معلمان الهیات نظر می دهند که بنا به آیه ای که در مزمور ۴:۹۰ و همچنین در عهد جدید در نامه دوم پطرس ۳: ۸ نوشته شده است، خدا از زبان پطرس دوباره این مطلب را تکرار می کند که یک روز خدا می تواند ۱۰۰۰ (هزار) سال ما باشد و یا به طور تفسیری می توان گفت که این یک روز میتواند هزاران سال باشد. به همین دلیل زمان آفرینش تا زمان واقعه گناه انسان می تواند سالها و قرنها طول کشیده باشد. این تفسیر می تواند به راحتی جواب زمین شناسان را راجع به قدمت زمین در مقام مقایسه با آفرینش را توضیح دهد.

مزمور ۴:۹۰

زیرا که هزار سال در نظر تو مثل دیروز است که گذشته باشد و مثل پاسی از شب.

دوم پطرس ۳: ۸

لکن ای حبیبان، این یک چیز از شما مخفی نماند که یک روز نزد خدا چون هزار سال است و هزار سال چون یک روز.

خدا این جهان و کهکشان را برای چه و برای که آفرید؟

تمام دنیا بوسیله عیسی مسیح آفریده شد. کلام خدا میفرماید که بوسیله او و برای او آفریده شد که به ما هدید دهد. در اصل خدا جهان را برای فرزندانش آفرید. شما وقتی که در انتظار نوزاد هستید مطمئن هستم که اتاق و وسایل او را آماده می کنید و آنانی که از نظر مالی غنی هستند حتی پرستار بچه را از قبل تولد او معین می کنند. خداوند زمین و کهکشان را برای ما؛ و فرشتگان را برای پرستاری ما آفرید.

کولسیان ۱: ۱۵-۱۸

^{۱۵} و او (یعنی عیسی) صورت خدای نادیده است، نخست زاده تمامی آفریدگان.^{۱۶} زیرا که در او همه چیز آفریده شد، آنچه در آسمان و آنچه بر زمین است از چیزهای دیدنی و نادیدنی و تختها و سلطنتها و ریاسات و قوات؛ همه بوسیله او و برای او آفریده شد.^{۱۷} و او قبل از همه است و دروی همه چیز قیام دارد.^{۱۸} و او بدن یعنی کلیسا راسر است، زیرا که او ابتدا است و نخست زاده از مردگان تا در همه چیز او مقدم شود.

انسان در حضور خدا

پاسخ به سوالات

^{۲۶} و خدا گفت: «آدم را بصورت ما و موافق شبیه ما بسازیم تا بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و بهایم و بر تمامی زمین و همه حشراتی که بر زمین می خزند، حکومت نماید.» ^{۳۷} پس خدا آدم را بصورت خود آفرید. او را بصورت خدا آفرید. ایشان را نر و ماده آفرید .

پیدایش ۱: ۲۶-۲۷

^{۱۳} و به کدامیک از فرشتگان هرگز گفت: «بنشین به دست راست من تا دشمنان تو را پای انداز تو سازم»؟ ^{۱۴} آیا همگی ایشان روح های خدمتگذار نیستند که برای خدمت آنانی که وارث نجات خواهند شد، فرستاده می شوند؟

عبرانیان ۱: ۱۳-۱۴

آیا خدا انسان را نیکو آفرید و میبایست کار نیکو را انجام دهد؟

در پیدایش ۱: ۳۱ آخرین آیه فصل یک ؛ خداوند اعلام کرد که هرچه آفریده بود نیکو بود . انسان (آدم و حوا) نیکو آفریده شده بودند و در طبیعت آنها نیکوئی کار گذاشته شده بود و اگر کار نیکو میکردند یک عمل عادی و طبیعی میبود. انسان اگر عمل نیک میکند نمیتواند به خدا بگوید که بین که چه عمل عالی انجام میدهم. چون خدا در عوض میتواند بگوید که داری وظیفه خود را انجام میدهی و منتی بر سر من نمیگذاری.

محبت خدا برای آدم و حوا که در حضور او بودند به چه اندازه و چگونه بود؟

خدا محبت ۱۰۰٪ را برای آدم و حوا داشت و دلیل آن این است که هرچه آفریده بود به او بخشیده بود . هیچ چیز را از او دریغ نداشت . و دنیا و تمام حیوانات و زمین را به انسان داد که بر آن سلطنت کند و تسلط یابد. و حتی باغ را به او داد که نگاهداری کند و حیوانات را به او داد که آنها را نام گذاری نماید و بر همه آنها و دنیا سلطنت کند. سوال ؟ آیا ما الان در این قدرت هستیم و زندگی میکنیم ؟ چه شد که این قدرت و تسلط را از دست دادیم ؟

و خدا ایشان را برکت داد و خدا بدیشان گفت: «بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و در آن تسلط نمایید، و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیواناتی که بر زمین می خزند، حکومت کنید.»

پیدایش ۱: ۲۸

انسان در حضور خدا

پاسخ به سؤالات

پیدایش ۲: ۱۵	پس خداوند خدا آدم را گرفت و او را در باغ عدن گذاشت تا کار آن را بکند و آن را محافظت نماید .
پیدایش ۲: ۱۹	و خداوند خدا هر حیوان صحرا و هر پرنده آسمان را از زمین سرشت و نزد آدم آورد تا ببیند که چه نام خواهد نهاد و آنچه آدم هر ذی حیات را خواند، همان نام او شد .

آیا خدا ما را شبیه خود آفرید ؟ در چه آیه ای نوشته شده ؟ و این شباهت چه معنی می دهد ؟

انسان شبیه خدا آفریده شد (پیدایش ۱ : ۲۶-۲۸) این شباهت این معنی را میدهد: این شباهت از نظر روح و روحیه و شخصیت و تمام خصوصیات لازم برای زندگی پیروزمند روی زمین و با قدرت تشخیص خوب و بد (معرفت نیک و بد) به ما داده شد . این شباهت فقط از نظر تشخیص و درک و خصوصیات خوبی است که از خداوند در آدم و حوا کار گذاشته شده بود. این شباهت فیزیکی نبود ؛ حال آنکه بعدا خدا بخاطر انسان که از او بوسیله گناه جدا شده بود و شباهت را از دست داد ؛ خود خدا به شباهت انسان جسم پوشید و از دنیای روح به دنیای ماده آمد تا جریمه گناهان او را خودش روی صلیب پرداخت کند .

شادی و آرامش آدم و حوا در حضور خدا در مقام مقایسه با شادی دنیای حاضر و آرامشی که در حال حاضر داریم چگونه بود ؟ چند درصد بود ؟

انسان در حضور خدا در شادی کامل و آرامش کامل بود (شادی و آرامش ۱۰۰٪) . این معانی از آیات پیدایش ۱ : ۳۱ و فصل ۲ پیدایش گرفته شده است . حال آنکه امروزه شادی ما در این روزگار نسبی و فقط خوشحالی های زودگذر است و آرامش ما نیز نسبی و تماما " با محیط و افراد کنترل می شود . اگر کسی بدون داشتن روح القدس بگوید که من آرامش کامل دارم ؛ در ته دل خود میداند که آرامش او کامل نیست. آیا شده است که از یک مهمانی و یا یک سفر عالی و پر از شادی به منزل بازگردید و دوباره غم بر شما بیاید ؟

انسان جدا از خدا



وارد شدن گناه به زندگی بشر و تأثیرات آن:

غرور انسان توسط شیطان تحریک شد و از آنجایی که میخواست خودکفا بوده و برای خود تصمیم بگیرد و در واقع "خود خدای خود باشد" از حق انتخابی که داشت سوء استفاده کرد و از حرف خدا بی اطاعتی کرد از همانجا گناه وارد زندگی بشر شد.

گناه در لغت عبرانی و یونانی یعنی "نزدن به هدف" یعنی "خطا" و به معنی "دوری از خداست" که این دوری پس از مرگ جسمانی انسان تبدیل به دوری ابدی خواهد شد و این دوری ابدی از خدا به مرگ روحانی معروف است. (پیدایش ۲: ۱۷)

خوردن از درخت معرفت نیک و بد یعنی در واقع تجربه کردن بدی بر روح - روان و جسم انسان تأثیر گذاشت.

- آدم و حوا با خوردن از درخت آنا فهمیدند که عریان هستند. (پیدایش ۳: ۷)
- آنان احساس خجالت کردند (که ریشه آن ترس است) و خود را از خدا پنهان کردند (پیدایش ۳: ۱۰) حال آنکه در فصل ۲ آیه آخری می بینیم که هر دو عریان بودند و خجل نبودند ولی این تجربه باعث شد خود را عریان، از خدا دور، ترسان و خجلت زده ببینند. آنها سعی کردند با برگهای انجیر خود را بپوشانند یعنی در واقع میخواستند بر روی گناه خود بگونه ای سرپوش بگذارند.
- تأثیر جدایی در روح انسان

انسان جدا از خدا

جنس روح انسان همانطور که در موقعیت اول خواندیم از جنس روح خدا بود و به همین دلیل بود که می توانست در مشارکت با او باشد و در حقیقت روح او با روح خدا در ارتباط کامل بود. در اثر خارج شدن از حضور خدا ، روح انسان از روح خدا که نور است جدا شد. از حضور نور وقتی خارج شدیم اتوماتیک وار وارد تاریکی می گردیم (جایی که نور نیست تاریکی است) پس روح انسان در تاریکی قرار گرفت و از جنس تاریکی شد. (افسسیان ۵ : ۸)

پس می بینیم که با خوردن از درخت معرفت نیک و بد ، آدم و حوا بدی را تجربه کرده و در واقع در بدی قرار گرفتند. ورود به بدی اتوماتیک وار انسان را از نیکویی دور کرده و این دوری به گناه معروف است.

تأثیر جدایی از خدا در زندگی امروز بشر:

انسان بعد از جدایی از خدا دیگر در آن محبت ۱۰۰٪ خدا قرار نداشت ، در آرامش ۱۰۰٪ حضور خدا نبود و در آن شادی ۱۰۰٪ حضور خدا نیز نبود. طبعاً جایی که خدای آرامش و سلامتی نیست درد وجود دارد و جایی که شادی خداوند نیست غم وجود دارد و جایی که نور نیست تاریکی وجود دارد.

بعد از آدم و حوا فرزندان آنها و بشر امروز نیز در همین موقعیت دور از خدا به دنیا می آیند. همه انسانها از خدا دور هستند (گناه) و هیچ انسانی نیست که بگوید من گناه نکردم مگر آنکه معنی گناه را نداند . روح انسان در این جهان در جدایی از خداست و در تاریکی بسر می برد و روح انسان از جنس تاریکی شده است . در موقع مرگ جسمانی روح از بدن انسان جدا شده و از آنجایی که تاریکی هرگز به نور بازگشت نمی کند روح تاریک انسان به روح خدا که نور است بازگشت نمی کند و تا به ابد از او دور می ماند. این دوری ابدی نتیجه (جریمه) گناه است . این دوری ابدی در کتاب مقدس مرگ (مرگ روحانی) خوانده شده است ، چرا که جریمه گناه مرگ است. (رومیان ۶ : ۲۳) ، (رومیان ۳ : ۲۳)

امروزه ما در دنیایی زندگی می کنیم که بدی و بدبختی تجربه روزانه بشر است ، روزانه آدم و حواهای امروزی بدی را تجربه می کند و اثرات آن در زندگی ایشان و فرزندانشان به صورت غم ، درد ، تلخی ها ، یأس ، ناامیدی ، ترس ، غرور ، خودخواهی ها ، جدایی ها ، حسادتها ، دروغ ها ، غیبت ها ، فساد ، تعصبات ، قتل و آدم کشی ها دیده می شود .

اینها همه نتایج آن دوری اصلی از منبع محبت و راستی و نیکویی است .

انسان جدا از خدا

سعی و کوشی انسان برای بازگشت به حضور خدا:

آدم و حوا به محض دوری از خدا متوجه عملکرد و اشتباه خود شده با یکسری اعمال انسانی سعی کردند به حضور خدا بازگردند. اعمال انسانی آنها با درست کردن لباس از برگ انجیر شروع شد و بعد با بهانه آوردن و انداختن گناه بر سر یکدیگر ادامه پیدا کرد. آدم گفت که زن من را مجبور کرد (پیدایش ۳: ۱۲) و زن گفت: که شیطان را که خود آفریدی باعث این گناه شد (پیدایش ۳: ۱۳)، به زبان دیگر آنها جدایی خود را از خدا و گناه را گردن خود خدا انداختند.

امروزه نیز بعضی از انسانها با انداختن گناه بر سر دیگری و بر سر خود خدا فکر می کنند میتوانند از تقصیر و پرداخت جریمه و نتایج گناه خود بری باشند و می گویند خود خدا ما را آفریده و گناه را خود او معرفی کرده است و باعث شده که ما گناه کنیم، پس دیگر ما را تقصیری نیست و احتیاج به آموزش گناهان و برگشت نداریم. بعضی دیگر آگاهانه می دانند که گناه کردند و صادقانه می خواهند به حضور خدا برگردند. ولی متأسفانه انسان فکر می کند که با کار نیکو کردن و اعمال انسانی می تواند خود را در مقابل خدا بی گناه نشان دهد. غافل از اینکه از بدو خلقت کار نیک و اعمال نیکو وظیفه انسان بوده و هست.

اصلاً خدا انسان را شبیه خود آفرید و بسیار نیکو آفرید که کار نیک بکند و اگر انسان کار نیک می کند نمی تواند منتی بر سر خدا بگذارد زیرا کار نیک کردن وظیفه اوست.

باید دانست که کلام خدا می فرماید: که با کار نیک کردن گناهان ما آمرزیده نمی شود بلکه کاری را انجام می دهیم که برای آن آفریده شده ایم. (یعقوب ۴: ۱۷) خدا حتی نیکویی نکردن را گناه می خواند. در (اشعیا ۶۴: ۶) خدا می فرماید: کار نیک ما چیزی جز یک پارچه کثیف نیست، نه آنکه او دوست نداشته باشد که ما کار نیک کنیم بلکه با انجام آنها نمی توانیم خود را عادل جلوه دهیم و بگوییم که شایسته حضور خدا هستیم و خدا می بایست ما را به خاطر این اعمال به عنوان شخص آمرزیده شده، یا نیک مطلق، یا پارسا و یا عادل بپذیرد. اعمال نیک انسان همانند همان برگ انجیر است که آدم برای رفتن به حضور خدا از درخت کُند که خود را بپوشاند و دیگر از خدا خجالت نکشد، اما برگ انجیر زود خشک می شود و موقتی است و می ریزد و او دوباره در مقابل خدا عریان است.

انسان امروز نیز با سعی و کوشش و عمل دست خود (به طور سمبلیک: کندن برگ انجیر و ساختن لباس از آن) می خواهد خود را از شرم گناه بپوشاند. به همین دلیل مذاهب به وجود آمد. مذهب به معنی راه و روش است که انسان می خواهد برای رسیدن به خدا از این روشهای انسانی (مذهب) استفاده کند غافل از آنکه هیچ راه و فلسفه انسانی نمی تواند انسان را به خدا برساند. (امثال ۱۴: ۱۲) و (اشعیا ۵۵: ۸-۹). این خداست که به انسان می رسد نه انسان به خدا.

انسان جدا از خدا

علت فرستاده شدن قوانین الهی و شریعت:

فرمانهای خدا توسط موسی فرستاده شد. مردم شاید فقط ۱۰ فرمان اول که بر روی لوحه های سنگی توسط خود خدا نوشته شد را بیاد داشته باشند. ولی در واقع ۶۱۳ فرمان می باشد که در ۵ کتاب اول کتاب مقدس نوشته شده است. (خروج ۲۰: ۱ - ۱۷)

این فرمانها، قوانین الهی، استاندارد شخصیت خدا و یا شریعت خدا برای این فرستاده شد که به انسان نشان دهد که چقدر از خدا دور شده است و چقدر قوانین الهی را شکسته است.

با شکستن هر کدام از این قوانین در واقع از استاندارد خدا دور می شویم یعنی از حضور او خارج شده و در دوری از او و گناه زیست می کنیم. (رومیان ۳: ۲۰ تفسیری).

قانون و کلام خدا در واقع مانند یک آینه است که با دیدن صورت خود در آن به کیفی آن و لکه های آن پی می بریم. (یعقوب ۱: ۲۳ - ۲۴).

در (رومیان ۳: ۲۰) می گوید با انجام شریعت ما عادل شمرده نمی شویم. انسانها با این فکر که با نگاه داشتن شریعت خدا می توانند مقدس باشند در واقع خود را فریب می دهند.

شریعت خدا برای این بود که ما فاصله خود را با خدا ببینیم یعنی در واقع گناه را مشخص می کند. خدا می فرماید: با اعمال شریعت پیش من نیابید و در حقیقت انتظار نداشته باشید که اگر قانون را نگه دارید گناهتان پاک شود. (اشعیا ۶۴: ۶، رومیان ۳: ۲۰) اگر هر که خود را با استاندارد، شخصیت و شریعت خدا قیاس کند متوجه می شود که در استاندارد خدا زیستن چقدر سخت و یا شاید می بایست گفت که غیر ممکن است. در کتاب یعقوب فصل ۴ آیه آخر می فرماید: انجام ندادن کار نیکو هم گناه است.

پس بیایید صادقانه خود را ببازماید: آیا همین امروز کارهای نیکو و خیرخواهانه ای بوده که من و شما می دانستیم و نکردیم، متأسفانه همه آنها برای ما گناه حساب می شود. پس باز می بینیم که گناه نکردن چقدر سخت و بهتر بگوییم غیر ممکن است.

در آیاتی چون (رومیان ۳: ۲۳)، (جامعه ۷: ۲۰)، (ایوب ۱۵: ۱۴ از ترجمه شریف)، (مزمور ۱۴۳: ۲ ترجمه شریف)، (اشعیا ۵۳: ۶) و (اول یوحنا ۱: ۸) می بینیم که خدا می فرماید: همه افراد روی زمین که بدنی می آیند گناه کردند و از جلال خدا قاصر و از استاندارد خدا به دور هستند.

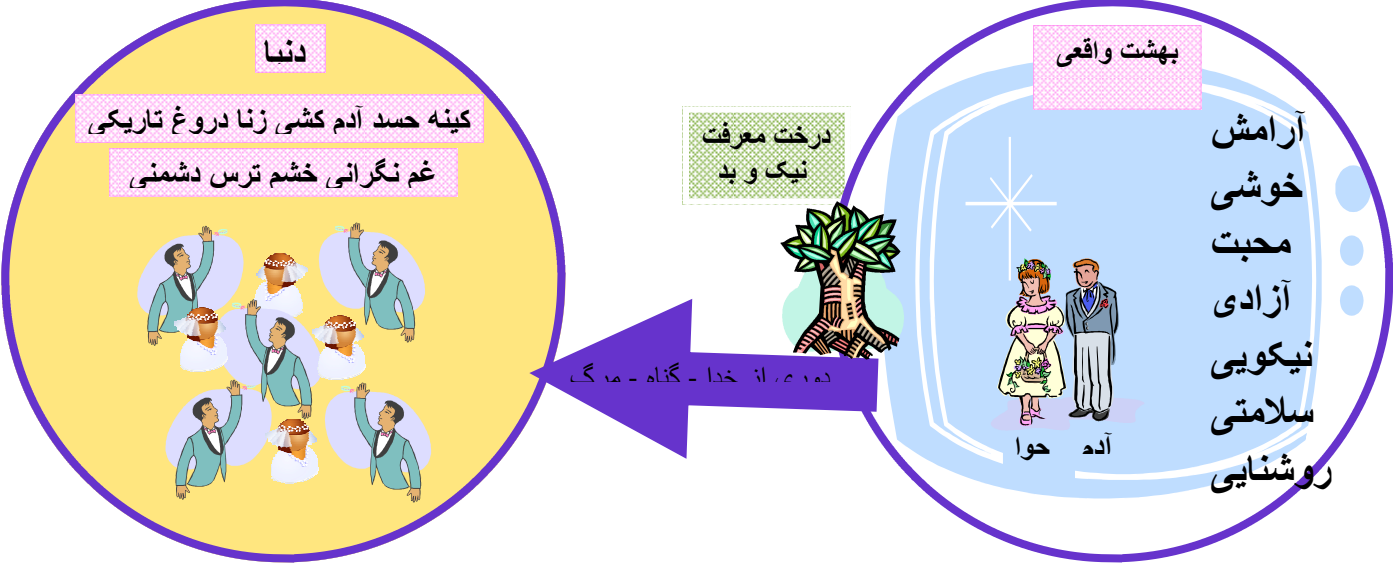
انسان جدا از خدا

حال که انسان گناهکار است هیچ راهی برای بازگشت به حضور خدا ندارد مانند شخصی در حال غرق شدن در دریاست و احتیاج به نجات دهنده ای دارد . در درس آینده می بینیم که چگونه خود خدا به دنبال انسان می آید تا او را نجات بخشد.

موقعیت دوم
انسان جدا از خدا

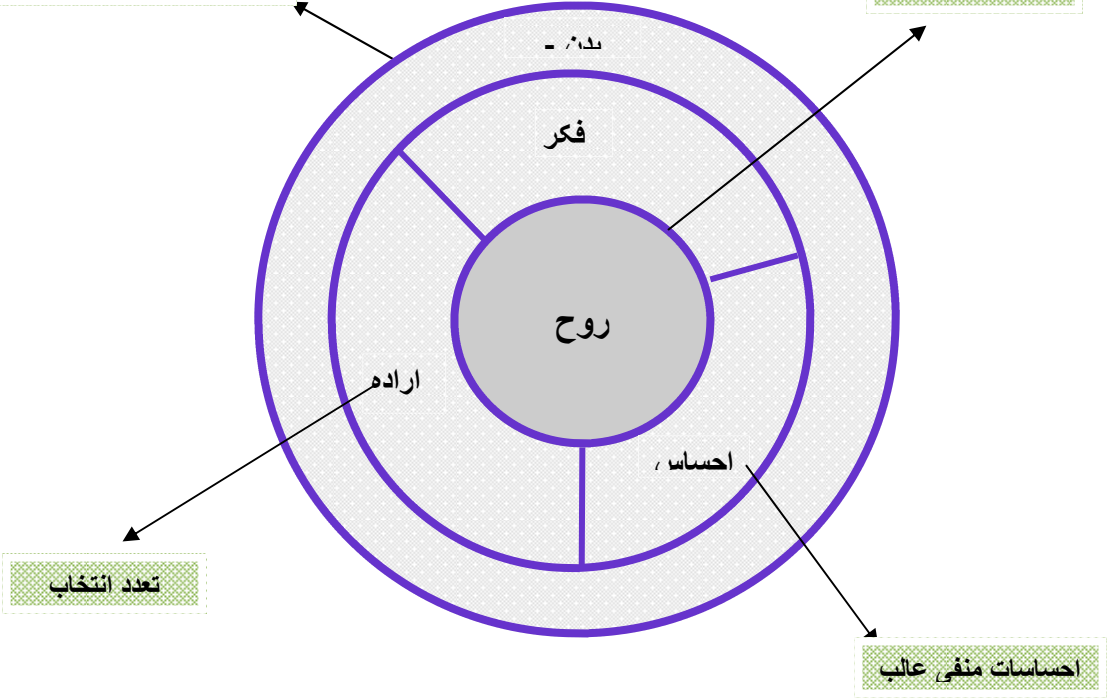
شیطان

خدا



شناخت تپاه شده از خدا

مرگ روحانی
تاریک شدن روح



سقوط انسان و اثرات آن

انسان جدا از خدا

پاسخ به سؤالات

آیا انسان در زمانی که در حضور خدا بسر میبرد؛ در ترس بود؟

آدم و حوا رو در رو با خدا ملاقات می کردند و از او ترس نداشتند حتی آنها در مقابل خدا عریان بودند و حتی شرم نداشتند و خجالت نمی کشیدند چه برسد به وحشت از خدا . پیدایش ۲ : ۲۵ (آخرین آیه قبل از داستان گناه و دوری آدم و حوا از حضور خدا) . ولی بعد از گناه در فصل ۳ پیدایش میخوانیم که از عریانی خود شرم داشتند و ترس بر آنها مستولی بود .

پیدایش ۲: ۲۵

و آدم و زنش هر دو برهنه بودند و خجالت نداشتند .

پیدایش ۳: ۹-۱۰

۹ و خداوند خدا آدم راندا درداد و گفت: «کجا هستی؟» ۱۰ گفت: «چون آوازت را در باغ شنیدم، ترسان گشتم، زیرا که عریانم. پس خود را پنهان کردم.»

آیا خدا ظلمت و تاریکی را آفریده است؟ آیا خدای نیکو؛ بدی را هم آفریده است؟

خدا خالق کل هستی و تمام خلقت و همه چیز است حتی ظلمت و تاریکی و حتی بدی را خدا آفریده ولی نه برای انسان که در بدی قرار بگیرد در آیه اشعیا ۴۵ : ۷ کاملاً " این مطب را گوشزد می کند . اگر تاریکی آفریده نمی شد نور معنی خود را نداشت (در هر حقیقت در علم امروزی معنی تاریکی را نبودن نور توضیح میدهند). و همچنین با بودن بدی نیکوئی جلوه خاص خود را پیدا می کند ولی در هیچ صورتی خدا بدی و تاریکی را برای ما نیافرید که ما در آن زندگی کنیم . تمام افکار خدا برای ما سلامتی و نیکوئی است (ارمیا ۲۹ : ۱۱) ما فرزندان نور هستیم (افسسیان ۵ : ۹) . ما بعد از دریافت عیسی مسیح که نور عالم است ما نیز میتوانیم زندگی در نور داشته باشیم .

اشعیا ۴۵ : ۷

پدیدآورنده نور و آفریننده ظلمت. صانع سلامتی و آفریننده بدی. من یهوه صانع همه این چیزها هستم .

ارمیا ۲۹ : ۱۱

زیرا خداوند می گوید: فکریایی را که برای شما دارم می دانم که فکریای سلامتی می باشد و نه بدی تا شما را در آخرت امید بخشم .

انسان جدا از خدا

پاسخ به سؤالات

افسیان ۵: ۸-۹

^۸ زیرا که پیشتر ظلمت بودید، لیکن الحال درخداوند نور می باشید. پس چون فرزندان نور رفتار کنید. ^۹ زیرا که میوه نور در کمال، نیکویی و عدالت و راستی است.

آیا انسان معرفت نیک و بد را داشت؟ (قدرت تشخیص و یا دانش فرق بین بدی و خوبی را داشت؟)

بله، از آنجایی که طبق (پیدایش ۱: ۲۶-۲۸) خدا انسان را به شباهت خود آفرید و کامل آفرید، انسان قدرت درک و فهم و معرفت و تشخیص و تمییز خوب و بد (معرفت نیک و بد) را داشت. انسان درک بدی را داشت ولی بدی را تجربه نکرده بود و لازم نداشت که تجربه کند تا بداند که چیست. اگر فقط حرف پدر را قبول می کرد و از او اطاعت میکرد دیگر احتیاج به تجربه از بدی نبود. ولی با خوردن از درخت معرفت نیک و بد (که خوردن نشانه تجربه کردن است) باعث شد که بدی را تجربه کند و در بدی قرار بگیرد. ورود به بدی اتوماتیک وار انسان را از نیکویی دور کرد. این دوری به لغت به گناه معروف است. وگر نه این دوری که گناه نامیده شده است پدید نمی آمد. و انسان در حضور خدا در اطاعت ولی با برکت و سلامتی (آرامش) و شادی کامل باقی میماند.

درخت نیک و بد که در پیدایش ذکر شده؛ آیا سیب بود و یا گندم بود؟

درخت معرفت نیک و بد یک درخت بوده که میوه قابل خوردن هم داشته است ولی در کتاب مقدس نامی از سیب و نه از گندم برده نشده است. این درخت یک سمبل در خروجی است که خدا این در خروجی را در باغ نهاد که به انسان اجازه و حق انتخاب دهد. اگر این در خروجی وجود نداشت انسان در اسارت خدا در باغ باقی می ماند. محبت خدا آزادی کامل می دهد و در خروجی نشانه آزادی است نه آزمایش و یا تست و یا زورگویی و استعمار.

پیدایش ۲: ۱۶-۱۷

^{۱۶} و خداوند خدا آدم را امر فرموده، گفت: «از همه درختان باغ بی ممانعت بخور، ^{۱۷} اما از درخت معرفت نیک و بد زنهارنخوری، زیرا روزی که از آن خوردی، هرآینه خواهی مرد.

چرا خدا اصلاً "درخت نیک و بد را آفرید؟

خدا این درخت را به عنوان در خروجی و نشانه حق آزادی و حق انتخاب به انسان داد. اگر این در وجود نداشت انسان در حضور خدا در زندان بود. حتی اگر بگوئیم که در محبت کامل میبود ولی حق انتخاب نداشت باز انسان در زندان محبت محبوس می شد ولی خدا نمی خواهد که ما را بزور در محبت خود نگاه دارد و محبت خدا بدون قید و شرط است چه ما در پیش او بمانیم و نماییم او ما را به تمامی عشق الهی خود دوست دارد.

انسان جدا از خدا

پاسخ به سؤالات

آیا وقتی که انسان در حضور خدا بود آزاد بود که در پیش او بماند؟ و یا آزاد بود که از پیش او برود؟

انسان در حضور خدا در روی زمین بود ولی آزاد بود که در مشارکت او بماند و یا از حضور او خارج گردد. اگر به آیه پیدایش ۲: ۱۶ توجه کنید: ^{۱۶} و خداوند خدا آدم را امر فرموده، گفت: «از همه درختان باغ بی ممانعت بخور، این لغت بی ممانعت بخور معنی آن میدهد که آزادی از همه درختان بخوری. و حتی در آیه بعدی پیدایش ۲: ۱۷ که نشانه در خروجی (درخت معرفت) این آزادی را تضمین می کرد. با این که خوردن این درخت و تجربه از آن مرگ را ببار میآورد؛ باز خدا آن درخت را از باغ برنداشت. و این خود باز یک نشانه آزادی است که خدا به ما میدهد؛ ولی هوشیاری نیز همراه با آن به انسان داده بود و او را هوشیار از سوء استفاده از این درخت کرده بود. به این ترتیب انسان آزاد بود که در حضور خدا بماند و آزاد بود که از پیش او دور شود و این حق را داشت. ولی استفاده از هردو حق آزادی (ماندن و یا نماندن) در زندگی او اثرات و نتایجی داشت که آدم کاملاً به آن واقف بود. امروزه ما مسیحیان نیز این حق را هنوز داریم که با اطاعت خدا در حضور و مشارکت او باقی بمانیم. اما امروزه نیز حتی با داشتن نجات، می توانیم با بی اطاعتی از مشارکت و برکات او خارج شویم. همان طوری که خدا از طریق موسی به قوم سرگردان اسرائیل در بیابان حق انتخاب داد (تثنیه ۳۱: ۱۵-۲۰ قوم عهد با خدا را مثل آدم و حوا شکستند) این حق انتخاب را امروز نیز شما دارید. چقدر زیباست که خداوند ما، آری از خودخواهی و پر از فیض و آزادی است. استفاده درست از این آزادی باعث حیات و برکت خواهد شد. خداوند ما عیسی مسیح شما را آزاد گذاشته است که با تمامی قلب او را دوست بدارید نه از روی اجبار و ترس و وحشت بلکه با احترام و عشق قلبی و آزادانه.

^{۱۵} و خداوند در ستون ابر در خیمه ظاهر شد و ستون ابر، بر در خیمه ایستاد. ^{۱۶} و خداوند به موسی گفت: «اینک با پدران خود می خوابی و این قوم برخاسته، در پی خدایان بیگانه زمینی که ایشان به آنجا در میان آنها می روند، زنا خواهند کرد و مرا ترک کرده، عهدی را که با ایشان بستم خواهند شکست.

تثنیه ۳۱: ۱۵-۱۶

^{۲۰} زیرا چون ایشان را به زمینی که برای پدران ایشان قسم خورده بودم که به شیر و شهد جاری است، درآورده باشم، و چون ایشان خورده، و سیر شده، و فربه گشته باشند، آنگاه ایشان به سوی خدایان غیر برگشته، آنها را عبادت خواهند نمود، و مرا هانت کرده، عهد مرا خواهند شکست.

تثنیه ۲۰: ۳۱

انسان جدا از خدا

پاسخ به سؤالات

چه شد که انسان از حضور خدا خارج شد؟ دلیل واقعی آن چه بود؟

انسان به دلیل خود کفائی و بی اطاعتی که ریشه آن خودخواهی و غرور است از حضور خدا خارج شد. حوا از درخت معرفت نیک و بد خورد. خوردن در اینجا به معنی تجربه کردن بعنوان تجربه شخصی و قابل لمس انسانی است. وسوسه شیطان در مورد خوردن از این درخت و دروغ او در مورد مردن و نمردن نیز حوا را به شک انداخت. حال آنکه حوا حق داشت که به شیطان بگوید که من احتیاج ندارم که از درخت بخورم چون موقعیتی که الان دارم بهتر است از زمانی که از آن درخت بخورم. حوا احتیاج نداشت که بدی را تجربه کند تا بداند که بدی چیست بلکه معرفت آن را خدا به او داده بود و او به شباهت خدا بود و معرفت و شناخت آن را داشت. ما لزومی ندارد که دست خود را در آتش ببریم تا تجربه کنیم که دست ما را می سوزاند اگر کسی که ما را دوست دارد و بما می گوید که دست تو خواهد سوخت. دیگر احتیاج به تجربه من و ما ندارد.

شیطان در پیدایش ۳: ۵ حوا را در مورد شباهت خدا شدن گول زد. حوا می دانست که مانند خدا هست و احتیاجی به شبیه شدن بیشتر و یا دوباره ندارد. ولی وسوسه شیطان در قلب حوا این غرور را آتش زد که به خدا احتیاج نخواهی داشت و این شروع غرور در قلب حوا بود که باعث شد که از درخت معرفت بخورد و در حقیقت با تجربه بدی و نیکی فکر می کرد که از این به بعد احتیاجی ندارد که خدا به او بگوید که چه بد است و چه خوب است. وقتی حوا حرف خود را بر حرف خدا برتری دانست و خود او تصمیم گرفت که چه چیزی برای او خوب و چه چیزی بد است یعنی من از خدا برتر هستم و حرف من بر او برتر است. درست مانند بچه های ما که در بی اطاعتی می خواهند خودشان کاری را بکنند که پدر و مادر کاملاً می دانند برای آنها مضر است. و پدر و مادر بدون هیچ چشم داشتی و یا احساس برتری و یا برای کنترل کردن و یا استثمار کردن بچه های خود نمی گویند ولی باز بچه ها می توانند که از آن نصیحت ها سرپیچی کنند. حتی با تمام بی اطاعتی آنها و بعد از شکست و تجربه های تلخ وقتی بچه ها برمی گردند باز دوباره پدر و مادر نیکو، آنها را می پذیرند. خدا نیز با همه بی اطاعتی ما انسانها باز بخاطر عشق پدری خود برای ما راه برگشت را فراهم کرده است.

۱ و ما از همه حیوانات صحرا که خداوند خدا ساخته بود، هشیارتر بود. و به زن گفت: «آیا خدا حقیقت گفته است که از همه درختان باغ نخورید؟»^۲ زن به مار گفت: «از میوه درختان باغ می خوریم،^۳ لکن از میوه درختی که در وسط باغ است، خدا گفت از آن نخورید و آن را لمس مکنید، مبادا بمیرید.»^۴ مار به زن گفت: «هر آینه نخواهید مرد،^۵ بلکه خدا می داند در روزی که از آن بخورید، چشمان شما باز شود و مانند خدا عارف نیک و بد خواهید بود.»^۶ و چون زن دید که آن درخت برای خوراک نیکوست و بنظر خوشنما و درختی دلپذیر دانش افزا، پس از میوه اش گرفته، بخورد و به شوهر خود نیز داد و او خورد.

پیدایش ۳: ۱-۶

انسان جدا از خدا

پاسخ به سؤالات

با خوردن میوه درخت معرفت نیک و بد؛ برای آدم و حوا چه اتفاق آنی افتاد؟

آدم و حوا هردو از این درخت خوردند (یعنی تجربه کردند) و فوراً و آنی فهمیدند که عریان هستند و خجالت کشیدند (که ریشه آن ترس است) و خود را از خدا پنهان کردند. حال آنکه در فصل ۲ پیدایش در آیه آخر آنان عریان بودن و خجل نبودند. این تجربه از روی بی اطاعتی باعث شد که خود را عریان و از خدا دور و ترسان و خجلت زده ببینند.

پیدایش ۳: ۷

آنگاه چشمان هر دو ایشان باز شد و فهمیدند که عریانند. پس برگهای انجیر به هم دوخته، سترها برای خویشتن ساختند.

پیدایش ۳: ۱۰

«چون آوازت را در باغ شنیدم، ترسان گشتم، زیرا که عریانم. پس خود را پنهان کردم.»

در اثر خوردن میوه از درخت معرفت نیک و بد چه اتفاقی در بعد روح افتاد؟

انسان که از جنس روح خدا بود و در مشارکت او بود در حقیقت روح او با خدا در ارتباط کامل بود. ولی چون از حضور او خارج شد روح انسان از روح خدا که نور است جدا شد. از حضور نور وقتی خارج شویم اتوماتیک وار وارد تاریکی می شویم. (جائی که نور نیست تاریکی است). و روح انسان در تاریکی قرار گرفت و از جنس تاریکی شد. افسسیان ۵: ۸

در این آیه خدا از زبان پولس اعلام میکند که ما بوسیله گناه در تاریکی قرار گرفته ایم و معنی پیشتر ظلمت بودید؛ آن است که روح ما از جنس تاریکی و ظلمت شده است ولی با ایمان به مسیح میتوانیم در نور زندگی کنیم و فرزندان نور باشیم.

افسیان ۵: ۸

^۸ زیرا که پیشتر ظلمت بودید، لیکن الحال درخداوند نور می باشید. پس چون فرزندان نور رفتار کنید.

انسان جدا از خدا

پاسخ به سؤالات

شیطان کیست و چرا خدا اصلاً شیطان را آفرید؟

شیطان یک فرشته است و از جنس روح می باشد. ولی جنس روح او از جنس خدا نیست بلکه فقط خدا انسان را به این مقام نایل کرد که جنس روح انسان از جنس خدا باشد. فرشتگان به شباهت خدا آفریده نشده اند. آنان خدمتکاران و پرستاران فرزندان خدا هستند (عبرانیان ۱: ۱۳-۱۴).

شیطان یک فرشته پر قدرت با جمال و زیبایی و حتی حکیم بود. او میبایست همانند همه فرشتگان از انسان اطاعت کند و او را خدمت نماید. می توانید خصوصیات شیطان را در (حزقیال ۲۸: ۱۱ - ۱۹ و اشعیاء ۱۴: ۱۲-۱۵) مطالعه کنید. در آیات حزقیال ۲۸ خداوند از شهر صور به عنوان سمبل شیطان استفاده میکند. به آیه ۱۳ توجه کنید که راجع به کروی (فرشته) صحبت میکند؛ که در آخر او با تمام کمال و حکمت و زیباییش مغرور شد. (آیه ۱۷) از حضور خدا اخراج شد در آیه ۱۶ توجه کنید. در همان هنگام او ثلث (یک سوم) فرشتگان دیگر که به فرشتگان پلید و یا ارواح پلید معروف هستند از حضور خدا افتادند. به آیه مکاشفه ۱۲: ۳-۴ که در زیر نوشته شده است توجه کنید؛ این واقعه به صورت سمبولیک نوشته شده است.

ثلث ستارگان نشانه فرشتگان هستند و اژدها خود شیطان است. لغت ستاره گان = فرشتگان در مکاشفه در فصل یک آیه ۲۰ تفسیر شده و خود خدا در همان اول کلام مکاشفه این معنی را برای ما باز کرده است.

از تمام این آیات متوجه میشویم که شیطان و یک سوم از فرشتگان سقوط کردند و به فرشتگان پلید و یا دیوها معرف هستند و کار آنها این است که فرزندان خدا را با خود به دریاچه گوگرد و عذاب ابدی ببرند.

۱۱ و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت: ۱۲ «ای پسر انسان برای پادشاه صور مرثیه بخوان و وی را بگو خداوند یهوه چنین می فرماید: تو خاتم کمال و مملو حکمت و کامل جمال هستی. ۱۳ در عدن در باغ خدا بودی و هر گونه سنگ گرانها از عقیق احمر و یاقوت اصفر و عقیق سفید و زبرجد و جزع و یشب و یاقوت کیود و بهرمان و زمرد پوشش تو بود. و صنعت دفها و نایهات در تو از طلا بود که در روز خلقت تو آنها مهیا شده بود. ۱۴ تو کروی مسح شده سایه گستر بودی. و تو را نصب نمودم تا بر کوه مقدس خدا بوده باشی. و در میان سنگهای آتشین می خرامیدی. ۱۵ از روزی که آفریده شدی تا وقتی که بی انصافی در تو یافت شد به رفتار خود کامل بودی. ۱۶ اما از کثرت سوداگری بطن تو را از ظلم پر ساختند. پس خطا ورزیدی و من تو را از کوه خدا بیرون انداختم. و تو را ای کروی سایه گستر، از میان سنگهای آتشین تلف نمودم. ۱۷ دل تو از زیبایی مغرور گردید و به سبب جمالت حکمت خود را فاسد گردانیدی. لهذا تو را بر زمین می اندازم و تو را پیش روی پادشاهان می گذارم تا بر تو بنگرند. ۱۸ به کثرت گناهت و بی انصافی تجارت مقدس های خویش را بی عصمت ساختی. پس آتشی از میان بیرون می آورم که تو را بسوزاند و تو را به نظر جمیع بینندگان بر روی زمین خاکستر خواهیم ساخت. ۱۹ و همه آشنایان از میان قوم ها بر تو متحیر خواهند شد. و تو محل دهشت شده، دیگر تا به ابد نخواهی بود.»

حزقیال ۲۸: ۱۱-۱۹

انسان جدا از خدا

پاسخ به سؤالات

عبرانیان ۱: ۱۳-۱۴	و به کدام یک از فرشتگان هرگز گفت: «بنشین به دست راست من تا دشمنان تو را پای انداز تو سازم»؟ ^{۱۳} آیا همگی ایشان روح های خدمتگذار نیستند که برای خدمت آنانی که وارث نجات خواهند شد، فرستاده می شوند؟
اشعیا ۱۴: ۱۲-۱۵	ای زهره دخترصبح چگونه از آسمان افتاده ای؟ ای که امت ها را دلیل می ساختی چگونه به زمین افکنده شده ای؟ ^{۱۳} و تو در دل خود می گفتی: «به آسمان صعودنموده، کرسی خود را بالای ستارگان خدا خواهم افراشت. و بر کوه اجتماع در اطراف شمال جلوس خواهم نمود. ^{۱۴} بالای بلندیهای ابرها صعود کرده، مثل حضرت اعلی خواهم شد.» ^{۱۵} لکن به هاویه به اسفلهای حفره فرود خواهی شد .
مکاشفه ۱۲: ۳-۴	و علامتی دیگر در آسمان پدید آمد که اینک اژدهای بزرگ آتشگون که او را هفت سرو ده شاخ بود و بر سرهایش هفت افسر؛ ^۴ و دمش ثلث ستارگان آسمان را کشیده، آنها را بر زمین ریخت. و اژدها پیش آن زن که می زاید بایستاد تا چون بزاید فرزند او را ببلعد .
مکاشفه ۱: ۲۰	سر هفت ستاره ای را که در دست راست من دیدی و هفت چراغدان طلا را. اما هفت ستاره، فرشتگان هفت کلیسا هستند و هفت چراغدان، هفت کلیسا می باشند.

معنی گناه چیست ؟

در لغت عبری که عهد عتیق به آن نوشته شده و همچنین به زبان یونانی که عهد جدید به آن نوشته شده است ، در هر دو قسمت کتاب مقدس ، گناه به معنی (به هدف نزدن) میباشد. در کل کتاب مقدس گناه به معنی دوری از خداست . انسان بخاطر خود کفایی و غرور از حضور خدا خارج شد. با آنکه معرفت نیک و بد را به کمال داشت ولی می خواست خود برای خودش تصمیم بگیرد نه خدا و در اصل خود را از خدا برتر بداند. کسی که میگوید من از خدا اطاعت نمیکنم ؛ این بدین معنی است که فکر من ؛ ایده من و اراده من و عملکرد من از خدا بهتر و برتر است. در حقیقت خود خدا هستم و احتیاجی به خدا ندارم. بخاطر این خود کفائی کاذب و فریب از درخت معرفت خورد. و خواست خودش تجربه کند و اینکه فقط خدا بگوید و اطاعت کند کافی نبود. این روحیه بی اطاعتی و خودکفائی الان نیز در افراد وجود دارد. با آنکه شناخت کامل از بد و خوب را آدم و حوا داشتند و معنی مرگ و دوری از خدا را نیز کامل می دانستند و خدا به ایشان صریحا" در (پیدایش ۲ : ۱۷) گفته بود که اگر از درخت معرفت نیک و بد بخوری خواهی مرد (دوری ابدی) باز این کار را کردند . در فصل ۳ پیدایش این دوری با غرور و بی اطاعتی حوا و آدم شروع شد و از درخت معرفت نیک بد خوردند و منجر به احساس عریانی آنی ، خجالت و ترس ایشان شد .

انسان جدا از خدا

پاسخ به سؤالات

پیدایش ۲: ۱۷

۱۷ اما از درخت معرفت نیک و بد زنهارنخوری، زیرا روزی که از آن خوردی، هرآینه خواهی مرد

نتایج گناه در زندگی بشر چه بوده و هست ؟

انسان بعد از جدائی از خدا دیگر در آن محبت صد در صد ابراز شده خدا قرار نداشت ؛ در آرامش کامل حضور خدا نبود ؛ در شادی صد در صد حضور خدا نبود. وقتی من و شما در آرامش صد در صد نباشیم پس در جائی قرار داریم که آرامش نسبی است و از آرامش کامل صد در صد کمتر است. اگر در حضور خدا که نور کامل است نباشیم پس در تاریکی هستیم. در فیزیک تعریف صحیح تاریکی این است که "جائی که نور نیست تاریکی است" پس انسان بعد از جدا شدن از نور (خدا) دیگر در تاریکی بسر می برد. و در حقیقت در مرگ روحانی (جدائی ابدی) قرار گرفته است. این نتیجه دوری و یا به زبان دیگر نتیجه گناه است. و وقتی که جسم " میمیریم این دوری و این تاریکی ابدی میگردد و راه برگشت وجود ندارد. این نتیجه بزرگ این گناه است. امروزه ما در دنیائی زندگی می کنیم که بدی و بدبختی تجربه روزانه بشر است. روزانه آدم و حوا های امروزی بدی را تجربه می کنند و اثرات آن در زندگی ایشان و فرزندانشان غم ، درد ، تلخی ها ، یاس ، ناامیدی ، ترس ، غرور ، خودخواهی ها ، جدائی ها ، حسادت ها ، دروغ ها ، غیبت ها ، فساد ، تعصبات ، قتل و آدم کشی ها است ؛ این ها نتایج آن دوری اصلی از منبأ محبت و راستی و نیکوئی است.

جریمه گناه و یا مزد گناه چیست ؟ اگر قبل از فوت یک انسان گناه او آمرزیده نشده باشد چه اتفاقی پس از مرگ جسمانی می افتد ؟

جریمه گناه : مرگ (دوری ابدی از خداست). همه انسانها از خدا دور هستند و هیچ انسانی نیست که بگوید من گناه نکرده ام مگر آنکه معنی گناه را نداند . روح انسان در این جهان در جدایی از خداست و در تاریکی بسر می برد و روح انسان از جنس تاریکی شده است . در موقع مرگ جسمانی روح از بدن انسان جدا شده و از آنجاییکه تاریکی هرگز به نور بازگشت نمی کند ، این روح که در و تاریک شده ، به روح خدا که نور است بازگشت نمی کند و تا ابد از او دور می ماند . این دوری ابدی نتیجه (جریمه) گناه است . این دوری ابدی در کتاب مقدس به مرگ (مرگ روحانی) خوانده شده است .

رومان ۶: ۲۳

زیرا که مزد گناه موت است، اما نعمت خدا حیات جاودانی در خداوند ماعیسی مسیح .

انسان جدا از خدا

پاسخ به سؤالات

چرا در حال حاضر انسان در این همه درد و غم زندگی می کند؟

بعد از اینکه انسان گناه کرد (از حضور خدا خارج شد) در جایی قرار گرفت که طبعاً "درد و غم و تاریکی گناه وجود دارد". (هر جا که خدای آرامش و سلامتی نیست درد وجود دارد و جایی که شادی خداوند نیست در عوض غم است و جایی که نور خدا نیست مسلماً تاریکی وجود دارد. و تا زمانی که انسان از این موقعیت دوری از خدا بیرون نیاید در درد و غم زندگی، بسر خواهد برد. پدر آسمانی نمی خواهد که انسان در این موقعیت تا به ابد باقی بماند. او رحیم و مهربان و پر از فیض و بخشش است به خاطر همین برای برداشتن غم و درد ما روی صلیب جان خود را فدا کرد. در عهد عتیق در کتاب اشعیا در مورد آمدن خدا به صورت عیسی مسیح به روی زمین و مصلوب شدن او و برداشتن این درد و غم پیشگوئی شده بود.

اشعیا ۵۳: ۴

لکن او غم های ما را بر خود گرفت و دردهای ما را بر خویش حمل نمود.....

اول پطرس ۲: ۲۴

مسیح شخصاً بار گناهان ما را بر دوش گرفته و آنها را بر صلیب برد تا ما هم نسبت به گناه بمیریم و برای نیکی مطلق زیست کنیم، زیرا به سبب زخمهای اوست که شما شفا یافته اید.

آیا خدا می خواهد ما در این سختی ها و دردها و نگرانی ها بسر ببریم؟

پدر آسمانی نمی خواهد که ما در این موقعیت باقی بمانیم. به خاطر همین برای برداشتن غم و درد ما روی صلیب جان خود را فدا کرد. (اشعیا ۵۳: ۴) لکن او غم های ما را بر خود گرفت و دردهای ما را بر خویش حمل نمود.

اول پطرس ۵: ۷

بگذارید خداوند بار تمام غصه ها و نگرانیهای شما را به دوش گیرد، زیرا او در تمام اوقات به فکر شما می باشد.

متی ۱۱: ۲۸

بیاید نزد من ای تمام زحمتکشان و گرانباران و من شما را آرامی خواهم بخشید.

انسان جدا از خدا

پاسخ به سؤالات

معنی مرگ ابدی و یا جهنم چیست ؟

معنی روحانی جهنم دوری ابدی از خداست و در عذاب و تاریکی و درد بودن ولی تا ابد . البته در کتاب مقدس جهنم در عهد عتیق به محلی در جنوب شرقی ارشلیم گفته میشد (گهنم = وادی ابن هنوم) در آن زمین پادشاهان گمراه یهود برای خدایانی مثل بل و ملکوت فرزندان خود را قربانی میکردند. در آن محل زنانی که بچه هایشان کشته میشدند و زنده زنده در آتش قربانی این بت ها میگردیدند ؛ گریه و شیون میکردند و صدای گریه و دندان بر دندان سائیدن این مادران به گوش میرسید. بعد از چندی که قوم توبه کرد و پادشاهان بعدی دستور دادند که این بت ها خراب گردد و بخاطر این کار زشت نیاکان خود آن محل را منفور جامعه و به آشغال دانی تبدیل کردند و زباله اورشلیم در آن محل ریخته میشد و بخاطر این کثافات در آن کرم نیز بود. برای این که این کثافات جرم و باکتری و مرض تولید نکند این آشغال ها را مسوزاندند. و همیشه در آن محل آتش بر پا بود. و آتش آن تمامی نداشت. وقتی مسیح راجع به دوری از خدا صحبت میکند که ما در جهنم هستیم و یا به جهنم میرویم به این محل قدیمی رجوع میکند که شنوندگان یهودی و مردم از وقایعی که در محل گهنم و این وادی (جهنم) با خبر بودند و به واژه های آتشی که تمام نمیشود ؛ یا کرم آن نیمیرد ؛ و یا گریه و فشار دندان و یا دندان بر دندان سائیدن که قبلا در این محل بوده آشنائی داشتند . ارمیا ۷ : ۳۰ - ۳۱

همچنین وقتی عیسی مسیح در مورد مرد دولتمند و الیعاذر فقیر و مرگ آنان صحبت کرد . لوقا ۱۶ : ۲۲ - ۲۳

مسیح عیسی نیز در باره عذاب ابدی به صورت آیه ذکر شده در لوقا مرگ بدون خدا را توضیح میدهد در عین حال در مکاشفه به یوحنا این تصویر آینده و محل زندانی شدن ابدی شیطان را در دریاچه گوگرد به صورت تشابهی و سمبولیک اعلام میکند . مکاشفه ۲۰ : ۱۰ - ۱۵

^{۳۰} اهالی یهودا در برابر چشمان من شرارت ورزیده اند و بتهای خود را به خانه من آورده و آنجا را نجس ساخته اند. ^{۳۱} در وادی «ابن هنوم» نیز قربانگاهی به نام «توفت» بنا نموده اند و در آنجا پسران و دختران خود را برای بتها زنده زنده در آتش، قربانی می کنند کار زشت و هولناکی که نه امر فرموده بودم و نه حتی از خاطرم گذشته بود .

ارمیا ۷ : ۳۰ - ۳۱

پس هرگاه دستت تو را بلغزاند، آن را ببریز تا تو را بهتر است که شل داخل حیات شوی، ازاینکه با دو دست وارد جهنم گردی، در آتشی که خاموشی نپذیرد؛ ^{۴۴} جایی که کرم ایشان نمیرد و آتش، خاموشی نپذیرد .

مرفی ۹ : ۴۳ - ۴۴

و آن غلام بی نفع را در ظلمت خارجی اندازید، جایی که گریه و فشار دندان خواهد بود

متی ۲۵ : ۳۰

انسان جدا از خدا

پاسخ به سؤالات

لوقا ۱۶: ۲۲-۲۳

باری آن فقیر بمرد و فرشتگان، او را به آغوش ابراهیم بردند و آن دولتمند نیز مرد و او را دفن کردند.^{۲۳} پس چشمان خود را در عالم اموات گشوده، خود را در عذاب یافت.

مکاشفه ۲۰: ۱۰-۱۵

^{۱۰} و ابلیس که ایشان را گمراه می کند، به دریاچه آتش و کبریت انداخته شد، جایی که وحش و نبی کاذب هستند؛ و ایشان تا ابدالابادشانه روز عذاب خواهند کشید.^{۱۱} و دیدم تختی بزرگ سفید و کسی را بر آن نشسته که از روی وی آسمان و زمین گریخت و برای آنها جایی یافت نشد.^{۱۲} و مردگان را خرد و بزرگ دیدم که پیش تخت ایستاده بودند؛ و دفترها را گشودند. پس دفتری دیگر گشوده شد که دفترحیات است و بر مردگان داوری شد، بحسب اعمال ایشان از آنچه در دفترها مکتوب است.^{۱۳} و دریا مردگانی را که در آن بودند باز داد؛ و موت و عالم اموات مردگانی را که در آنها بودند باز دادند؛ و هر یکی بحسب اعمالش حکم یافت.^{۱۴} و موت و عالم اموات به دریاچه آتش انداخته شد. این است موت ثانی، یعنی دریاچه آتش.^{۱۵} و هر که در دفتر حیات مکتوب یافت نشد، به دریاچه آتش افکنده گردید.

آیا دلیل گناه کردن بشر تقصیر شیطان بود؟

خیر، آدم و حوا هر دو این اختیار و حق را داشتند که به شیطان گوش ندهند و تشخیص دروغ او را داشتند و انتخاب کامل با آنها بود که از نزد خدا جدا شوند یا نه. تقصیر شیطان نمی توان گذاشت. البته شیطان وسوسه کرد و هنوز هم ما انسان ها را وسوسه می کند ولی قادر به مجبور کردن ما به انجام گناه نیست. انسان خودش انتخاب می کند که به شیطان گوش دهد و دستورات او را اطاعت و اجرا کند. افرادی که در کنترل شیطان و ارواح پلید قرار می گیرند در یک زمان در گذشته خود به ارواح حق صحبت کردن به افکار خود را داده اند. در این صورت ارواح حق کنترل و یا تاثیر گذاشتن و یا به لفظ جنگ روحانی معنی حق ورود به روان (فکر - احساسات - اراده) یک شخص را پیدا کرده اند. و این امکان دارد که با اجازه خود شخص بوده و یا به خاطر موقعیت خاص روحی و روانی و یا حتی گناه شخص دیگری این اجازه به شیطان و ارواح داده شده است. اما خوشبختانه آنانی که به مسیح ایمان دارند می توانند این نوع کنترل ها و حق مالکیت های بی جای شیطان و ارواح پلید را پس بگیرند.

گناه اول را چه کسی کرد؟ آیا حوا یا آدم؟ تقصیر با که بود؟

گناه را هر دو آدم و حوا کردند. هر دو می توانستند بگویند نه. حتی اگر یکی می گفت بله به گناه دیگری می توانست او را به انتخاب درست تشویق کند و از دوری و گناه آزاد نماید. بله ترتیب ورود گناه به زندگی بشریت اول با حوا بود ولی مرد می توانست او را از این دوری و گناه برگرداند ولی نکرد. بله گناه و مرگ ابدی اول از طریق زن وارد زمین شد ولی خبر خوش این است که آمرزش گناه و نجات و حیات (که عیسی مسیح باشد) نیز از طریق یک زن بعدا وارد جهان شد. اگر اول پوئن منفی را به زن می دهید در این صورت می بایست پوئن مثبت در مورد نجات را نیز به زن برگردانید.

انسان جدا از خدا

پاسخ به سؤالات

آدم و حوا در حضور خدا بودند؛ قبل از واقعه سرپچی آنها و ورود گناه به زندگیشان؛ آیا لباس به تن داشتند و یا عریان بودند؟ آیا از خدا خجالت می کشیدند؟

در کلام خدا در کتاب پیدایش ۲: ۲۵ آخرین آیه قبل از گناه در فصل ۳؛ نشان می دهد که آدم و حوا هر دو عریان بودند و لباسی بر تن نداشتند و به خاطر عریانی خود از خدا خجالت نمی کشیدند. امروزه خدا می خواهد ما در مقابل او و در مشارکت او همواره قرار بگیریم و در مقابل او شفاف باشیم و خجالت از هیچ چیزی نداشته باشیم مادامیکه باور داشته باشیم که خون مسیح پاک کننده و لباس سفید عدالت او بر تن ما است و در زیر آن لباس گناه نکنیم؛ در مقابل او ترس و یا خجالت نداریم. متأسفانه ورود گناه در زندگی آدم و حوا "آنا" عاملی شد که ترس و خجالت بر آنها وارد آمد.

انسان برای پوشش خود از عریانی چه کرد؟

آدم و حوا خود را با برگ انجیر پوشانیدند تا عریانیشان پوشانده شود. پیدایش ۳: ۷

این یک عملکرد انسانی و یک کار نیکوی انسانی بود که او کرد تا بتواند عریانی خود را بپوشاند تا دیگر از خدا خجالت نکشد و بتواند به نزد خدا برود. اما برگ انجیر زود خشک می شود و موقتی است و می ریزد و او دوباره در مقابل خدا عریان است. انسان امروزه با سعی و کوشش و عمل دست خود (یعنی به طور سمبولیک که کندن برگ انجیر و ساختن لباس بود) می خواهد خود را از شرم گناه بپوشاند. اما متأسفانه این؛ کاری نبوده و نخواهد بود. ما با سعی و کوشش خود و اعمال دست خود هر چند که نیکو باشد قادر نخواهیم بود که گناه خود را بپوشانیم تا بتوانیم لایق باشیم در مقابل خدای پاک و بی گناه بایستیم.

آنگاه چشمان هر دو ایشان باز شد و فهمیدند که عریانند. پس برگهای انجیر به هم دوخته، سترها برای خویشتن ساختند.

پیدایش ۳: ۷

برای پاک و بی گناه جلوه کردن در حضور خدا؛ انسان به چه اعمالی دست می زند؟

اعمال انسانی او با درست کردن لباس از برگ انجیر شروع شد و بعد با بهانه آوردن و انداختن گناه بر سر یکدیگر ادامه پیدا کرد. آدم گفت که زن مرا مجبور کرد و زن گفت که شیطان که تو خدا خودت آفریده ای باعث این گناه شد. به زبان دیگر آنها جدائی خود را از خدا و گناه را گردن خود خدا انداختند. امروزه بعضی از انسانها با انداختن گناه بر سر دیگری و بر سر خود خدا؛ فکر میکنند میتوانند از تقصیر و پرداخت جریمه و نتایج گناه خود بری باشند و می گویند خود خدا ما را آفریده و گناه را خود او معرفی کرده و باعث شده که ما گناه کنیم، پس دیگر ما را تقصیری نیست و احتیاج به آموزش گناهان و برگشت نداریم. بعضی دیگر آگاهانه می دانند که گناه کرده اند و صادقانه می خواهند به حضور خدا برگردند. ولی متأسفانه با کار نیکو و اعمال انسانی و نیک بودن خودشان؛ می خواهند که خود را در مقابل خدا بدون گناه نشان دهند.

انسان جدا از خدا

پاسخ به سؤالات

کار نیک و اعمال نیکو وظیفه انسان؛ از بدو خلقت بوده و هست. اصلاً "خدا انسان را شبیه خود آفرید و بسیار نیکو آفرید که کار نیک بکند و اگر انسان کار نیک می کند نمی تواند بگوید که چه کاری برای خدا کردم و منت سر خدا بگذارد. حال آنکه این وظیفه او بوده است که کار نیک بکند. باید دانست که خدا در کلام خود میگوید که با کار نیک گناهان آمرزیده نمی شود، بلکه ما داریم کاری می کنیم که برای آن آفریده شده ایم که انسان های نیکو و خوب باشیم و در هر حال و هر موقعیت؛ کار نیکو کنیم.

آیا کار نیک می تواند انسان را مقبول خدا کند؟

کار نیک وظیفه انسان است ولی با آن نمی توان مقبول خدا شد. اگر کار نیک بدانیم و نکنیم متأسفانه نکردن آن پای ما گناه محسوب می شود. در عهد عتیق در اشعیا ۶۴: ۶ خدا می فرماید که کار نیک ما در مقابل او چیزی جز یک پارچه کثیف نیست. نه آنکه او دوست نداشته باشد که ما کار نیک کنیم بلکه با انجام آن ها نمی توانیم خود را عادل جلوه نمائیم و بگوئیم که شایسته حضور خدا هستیم و خدا می بایست ما را بخاطر این اعمال به عنوان شخص آمرزیده شده، یا نیک مطلق، یا پارسا و یا عادل بپذیرد. ولی اگر کار (نیک) مسیح روی صلیب را (نه کار خود را) بعنوان فدیة یا کفاره گناهان خود بپذیریم در آن صورت ما عادل شمرده خواهیم شد و کار نیک کردن ما؛ نتیجه طبیعی این نجات خواهد بود.

یعقوب ۴: ۱۷

پس هر که نیکویی کردن بداند و بعمل نیاورد، او را گناه است.

اشعیا ۶۴: ۶

زیرا که جمیع ما مثل شخص نجس شده ایم و همه اعمال عادلانه ما مانند لته ملوث می باشد. و همگی ما مثل برگ، پژمرده شده، گناهان ما مثل باد، ما را می رباید.

آیا هیچ انسانی می تواند بگوید که تا بحال گناه نکرده، و کاملاً بی گناه است؟

همه انسانها گناه کرده اند. هر که از آدم و حوا و بچه های آنها در این دنیا متولد شود در دوری از خدا به این دنیا می آید و در حقیقت در موقعیت این دوری (موقعیت گناه) قرار می گیرد. همه حتی پیامبران نیز در گناه به این دنیا آمده اند و خود نیز گناه کرده اند. کتاب مقدس به وضوح و بسیار آشکارا گناهان پیامبران که مثل من و شما انسان بودن را نشان می دهد و آن ها را پنهان نمی کند. مثل مست کردن نوح، دروغ ابراهیم آدم کشی حضرت موسی، زنا و قتل حضرت داود، اعمال گناه آلود حضرت سلیمان قبل از آمدن خود خدا به روی زمین و گناهان شاگردان و رسولان عهد جدید بعد از مرگ و رستاخیز خود. تنها خود خدا که به صورت یک انسان و آدم کامل روی زمین زندگی کرد گناه نکرد تا مثل یک بره بی گناه فدیة گناهان همه ما گردد.

رومیان ۳: ۲۳

زیرا همه گناه کرده اند و از جلال خدا قاصر می باشند.

انسان جدا از خدا

پاسخ به سؤالات

آیا انسانی در روی زمین می تواند بگوید که من به پاکی صد در صد خدا هستم؟

خدا پاک است و انسان جدا شده دور از آن قدوس، در پاکی ۱۰۰٪ نیست. البته انسانها خود را با یکدیگر مقایسه می کنند و فکر می کنند که پاک هستند. اما وقتی خود را با مسیح که خدای در جسم بود مقایسه میکنیم متوجه میشویم که چقدر کم میاوریم.

امثال ۲۰: ۹

کیست که تواند گوید: «دل خود را طاهر ساختم، و از گناه خویش پاک شدم.»

قانون خدا که به صورت ۱۰ فرمان به موسی داده شد برای چه بود؟

ده فرمان و بقیه فرمانهای خدا که در ۵ کتاب اول نوشته شده تنها ۱۰ فرمان نیست بلکه تماما " ۶۱۳ فرمان می باشد که برای نشان دادن استاندارد خداست. تمام این احکام و هر لغت کتاب مقدس چه عهد قدیم و چه عهد جدید نشانگر شخصیت خداست. فرمانهای خدا چهار چوب شخصیت نیکو و عالی خدا و انسان را بیان میکند و چهار چوبی است که با رعایت آن و ماندن در این محدوده نتیجتاً در محافظت خدا قرار خواهیم گرفت. مردم فقط شاید ۱۰ فرمان اول که بر روی لوحه های سنگی توسط خود خدا نوشته شد را ممکن است بیاد داشته باشند.

این فرمانها؛ قانونها یا شریعت خدا برای این است که بدانیم که خدا پاک و مقدس و قابل پرستش است و ما انسان ها وقتی دروغ می گوئیم و یا قتل می کنیم و یا به همسایه خود حسد می بریم و یا به پدر و مادر خود بی احترامی می کنیم این استانداردها بما نشان می دهد که از حضور او دور هستیم و از استاندارد مشارکت با او کوتاه و دور هستیم و با مقایسه خود با آن قوانین متوجه می شویم که به پاکی خدا نیستیم و استاندارد او را نگاه نداشتیم و گناه کرده ایم. این را نیز باید بدانیم که قانون خدا و شریعت او برای نشان دادن گناه می باشد

قانون و کلام خدا مانند یک آینه است که با دیدن صورت خود در آن به کثیفی آن و لکه های آن پی می بریم.

خروج ۲۰: ۱-۱۷

۱ و خدا تکلم فرمود و همه این کلمات را بگفت: ۲ «من هستم یهوه، خدای تو، که تو را از زمین مصر و از خانه غلامی بیرون آوردم. ۳ تو را خدایان دیگر غیر از من نباشد. ۴ صورتی تراشیده و هیچ تمثالی از آنچه بالا در آسمان است، و از آنچه پایین در زمین است، و از آنچه در آب زیر زمین است، برای خود مساز. ۵ نزد آنها سجده مکن، و آنها را عبادت منما، زیرا من که یهوه، خدای تو می باشم، خدای غیور هستم، که انتقام گناه پدران را از پسران تا پشت سوم و چهارم از آنانی که مرا دشمن دارند می گیرم. ۶ و تا هزار پشت بر آنانی که مرا دوست دارند و احکام مرا نگاه دارند، رحمت می کنم. ۷ نام یهوه، خدای خود را به باطل مبر، زیرا خداوند کسی را که اسم او را به باطل برد، بی گناه نخواهد شمرد. ۸ روز سبت را یاد کن تا آن راتقدیس نمایی. ۹ شش روز مشغول باش و همه کارهای خود را بجا آور.

انسان جدا از خدا

پاسخ به سؤالات

^{۱۰} اما روز هفتمین، سبت یهوه، خدای توست. در آن هیچ کار مکن، تو و پسرت و دخترت و غلامت و کنیزت و بهیمه ات و مهمان تو که درون دروازه های تو باشی. ^{۱۱} زیرا که در شش روز، خداوند آسمان و زمین و دریا و آنچه را که در آنهاست بساخت، و در روز هفتم آرام فرمود. از این سبب خداوند روز هفتم را مبارک خوانده، آن را تقدیس نمود. ^{۱۲} پدر و مادر خود را احترام نما، تا روزهای تو در زمینی که یهوه خدایت به تو می بخشد، دراز شود. ^{۱۳} قتل مکن. ^{۱۴} زنا مکن. ^{۱۵} دزدی مکن. ^{۱۶} بر همسایه خود شهادت دروغ مده. ^{۱۷} به خانه همسایه خود طمع موز، و به زن همسایه ات و غلامش و کنیزش و گاوش و الاغش و به هیچ چیزی که از آن همسایه تو باشد، طمع مکن.»

پس ملاحظه می کنید که با اجرای شریعت، کسی هرگز نمی تواند رضایت خدا را حاصل کند. در واقع هر چه بیشتر شریعت را بدانیم، بیشتر پی می بریم که آن را زیر پا گذارده ایم. شریعت فقط چشمان ما را باز می کند تا گناهان خود را ببینیم

رومیان ۳: ۲۰

^{۲۳} زیرا اگر کسی کلام را بشنود و عمل نکند، شخصی را ماند که صورت طبیعی خود را در آینه می نگرد. ^{۲۴} زیرا خود را نگر نیست و رفت و فور فراموش کرد که چطور شخصی بود.

يعقوب ۱: ۲۳-۲۴

مذهب از کجا شروع شد؟ و چه معنی می دهد؟

مذهب به معنی راه و روش است که انسان برای رسیدن به خدا می خواهد از این روش های انسانی (مذهب) استفاده کند، انسان از هیچ راه انسانی و فلسفه انسانی نمی تواند به خدا برسد. مسیحیت یک رابطه مستقیم بین انسان و خداست. که خدا به انسان می رسد نه انسان به خدا.

راههایی هستند که بنظر انسان راست می آیند اما عاقبت به مرگ منتهی می شوند

امثال ۱۴: ۱۲

^۸ زیرا خداوند می گوید که افکار من افکار شما نیست و طریق های شما طریق های من نی. ^۹ زیرا چنانکه آسمان از زمین بلندتر است همچنان طریق های من از طریق های شما و افکار من از افکار شما بلندتر می باشد

اشعیا ۵۵: ۸-۹

انسان جدا از خدا

پاسخ به سؤالات

آیا با انجام مراسم مذهبی و بکن نکن ها و یا حتی با اجرای شریعت و قانون خدا گناهان ما پاک میشود؟

در (رومیان ۳: ۲۰) می گوید با انجام شریعت ما عادل شمرده نمی شویم. انسان ها با فکر این که : شریعت خدا را نگاه دارند ، می توانند مقدس باشند ، خود را فریب میدهند. ما فقط بوسیله کار مقدس و عالی مسیح روی صلیب پاک شمرده می شویم. و فقط بوسیله خون عیسی مسیح گناهان ما آمرزیده می گردد. ولی با نگاه داشتن شریعت کامل خدا که شخصیت مسیح و زندگی مسیح وارانه است که انسانها می توانند روی زمین پیروز و خوشبخت زندگی کنند و بتوانند ابزار دست او گردند تا ملکوت خدا بر روی زمین پیاده شود و باعث نجات تعداد زیادی گردند .

رومیان ۱۰: ۴

زیرا مسیح هدف و تمام کننده شریعت است برای هر که ایمان آورد و به این وسیله در حضور خدا نیک شمرده شود .

چرا برای رسیدن به خدا ، اعمال نیک و یا کارهای شریعت و مذهب ما را به خدا نمی رساند؟

اعمال نیک انسان همانند همان برگ انجیر بود که آدم برای رفتن به حضور خدا از درخت کند که خود را بپوشاند. انسان فکر می کند که اگر اعمال نیک کند می تواند گناهان خود را پاک کند و یا آنان را بپوشاند. خدا انسان را شبیه خود آفرید و نیک آفرید و نیک بودن و کار نیک کردن می بایست در ذات ما و وظیفه ما باشد. برای کاری که وظیفه ماست نمی توانیم منت سر خدا بگذاریم. حتی خداوند می فرماید اگر کار و یا عمل نیک می دانی و نکنی گناه کرده ای . (یعقوب ۴: ۱۷)

هر چه قدر خود را پاک کنیم به پاکی خدا نمی رسیم. خدا قانون و شریعت خود را داد که ما استاندارد او را بشناسیم و متوجه شویم که در مقام مقایسه با خدا کجا ایستاده ایم. ده فرمان و بقیه فرمانها فقط برای این بود که ما فاصله خود را با خدا ببینیم . طبق کلام خدا شریعت عهد عتیق ، گناه را مشخص می کند. خداوند می فرماید با اعمال شریعت به پیش من نیاید و در حقیقت انتظار نداشته باشید که اگر قانون را نگاه دارید گناهانتان پاک میشود . (اشعیا ۶۴: ۶ ، رومیان ۳: ۲۰)

یعقوب ۴: ۱۷

پس هر که نیکویی کردن بداند و بعمل نیاورد، او را گناه است .

اشعیا ۶۴: ۶

زیرا که جمیع ما مثل شخص نجس شده ایم وهمه اعمال عادلانه ما مانند لته ملوث می باشد. وهمگی ما مثل برگ، پژمرده شده، گناهان ما مثل باد، ما را می رباید .

رومیان ۳: ۲۰

پس ملاحظه می کنید که با اجرای شریعت، کسی هرگز نمی تواند رضایت خدا را حاصل کند. در واقع هر چه بیشتر شریعت را بدانیم، بیشتر پی می بریم که آن را زیر پا گذارده ایم. شریعت فقط چشمان ما را باز می کند تا گناهان خود را ببینیم

انسان جدا از خدا

پاسخ به سؤالات

آیا خدا میگوید اگر نیکویی می دانی و نکنی گناه کرده ای؟

در کتاب مقدس اعمال ناموافق به استاندارد و شخصیت و شریعت خدا گناه محسوب میگردد. حال آنکه همین کلام خدا در عهد جدید در کتاب یعقوب فصل ۴ آیه آخر مفرماید انجام ندادن کار نیکو خودش گناه کردن است. پس خود را بیازمائیم آیا همین امروز چه کارهائی نیکو و خیرخواهانه ای بوده که من و شما میدانستیم و نکرده ایم. متأسفانه همه آنها برای ما گناه حساب شده است. پس گناه نکردن چقدر سخت و بهتر بگوئیم غیر ممکن است.

در کدام آیات کتاب مقدس نوشته شده که همه افراد روی زمین که به دنیا می آیند گناه کرده اند و از جلال خدا قاصر و از استاندارد خدا کوتاه هستند؟

رومیان ۳: ۲۳	همه گناه کرده اند و از جلال خدا محرومند .
جامعه ۷: ۲۰	زیرامرد عادللی در دنیا نیست که نیکویی ورزد و هیچ خطا ننماید .
ایوب ۱۵: ۱۴	آیا انسان می تواند در واقع نیک و پاک باشد؟
مزمور ۱۴۳: ۲	بنده ات را محاکمه مکن، زیرا هیچ کسی در حضور تو بی گناه نیست .
اشعیا ۵۳: ۶	جمع ما مثل گوسفندان گمراه شده بودیم و هریکی از ما به راه خود برگشته بود و خداوند گناه جمع ما را بروی نهاد .

جنس روح ما نور و از جنس روح خدا که نور و پاکی است؛ بوده است ولی بواسطه دوری از خدا موقعیت ما و روح ما عوض شد. الان موقعیت روح ما در این دوری چیست؟

بعد از گناه روح ما از جنس تاریکی شده و نه از جنس خدا که نور است. و موقعیت ما این است که از او دور بمانیم و در موقع مرگ جسمانی این روح تاریکی به خدا که روح نور است بازگشت نمی کند بلکه در تاریکی ابدی باقی خواهد ماند. هیچ گاه تاریکی وارد نور نمی گردد بلکه نور است که می بایست وارد تاریکی گردد.

افسیان ۵: ۸	شما زمانی در تاریکی بودید اما اکنون با اتحاد خود با خداوند، در نور هستید. پس مانند فرزندان نور زندگی کنید .
-------------	---

انسان جدا از خدا

پاسخ به سؤالات

اگر که ما از جنس روح خدا دیگر نیستیم در موقع مرگ ، آیا در پیش خدا بر می گردیم که با او زندگی کنیم ؟ یا نه ؟

از آنجائیکه ما در ظلمت هستیم و از جنس تاریکی شده ایم . روح ما فرم انرژی است و هرگز از بین نمی رود. فرم انرژی می تواند تغییر فرم دهد ولی هرگز نابود نمی شود. اگر در روی زمین به نور تبدیل نگردد بعد از اینکه از بدن خاکی ما خارج شد به نور بر نمی گردد. در قانون فیزیک زمینی مردم می دانند که هیچ وقت تاریکی وارد نور نمی تواند بشود بلکه نور است که به راحتی می تواند وارد تاریکی شود. بنابراین پس از مرگ همه مردم فکر می کنند که به نزد خدا می روند و با او خواهند بود. که این کاملاً " غلط است . ما نزد خدا می رویم و اگر گناهان ما پاک نشده باشد و ما با او در روی زمین یکی نشده باشیم روح او را دریافت نخواهیم کرد و روح ما از جنس روح او نیست. فقط برای قضاوت در مقابل او خواهیم ایستاد و گناهان ما را از او دور خواهد کرد. و تا ابد در تاریکی باقی خواهیم ماند .

آیا بچه های کوچک و نوزادان گناهکار هستند ؟ و اگر در نوزادی فوت کنند به پیش خدا می روند ؟

هرکه در این دنیا از یک پدر و مادر زمینی زائیده می شود در دوری از خدا که موقعیت گناه است به دنیا می آید. ولی چون قدرت تشخیص و یا معرفت نیک و بد را هنوز استفاده نکرده و ندارد در این صورت اعمال او به پای اعمال بد برای او نوشته نمی شود چون نمی داند. (مانند همه آنهایی که نمی دانند که آنها را مسیح روی صلیب بخشیده است و فقط باید باور کرده و طبق آن زندگی کنند) آن نوزادان اگر در بچگی فوت کردند در این صورت بخشیده می شوند . (لوقا ۲۳ : ۳۴). در جای دیگر عیسی می گوید بگذارید بچه ها بنزد من بیایند (متی ۱۹ : ۱۴) (مرقس ۹ : ۳۶-۳۷) و (دوم سموئیل ۱۲ : ۱۸-۲۴) می خوانیم که داود پس از مرگ طفل اعلام می کند که او جانی است که ما می خواهیم برویم (نزد خدا) .

لوقا ۲۳ : ۳۴

عیسی گفت: «ای پدر، اینان را ببخش زیرا نمی دانند چه می کنند .

متی ۱۹ : ۱۴

اما عیسی به آنان فرمود: «بگذارید بچه های کوچک نزد من بیایند و مانع آنان نشوید، زیرا پادشاهی آسمانی به چنین کسانی تعلق دارد .

مرقس ۹ : ۳۶-۳۷

^{۳۶} سپس کودکی را گرفت و او را در برابر همه قرار داد و بعد او را در آغوش گرفته فرمود: ^{۳۷} «هرکه یکی از این کودکان را به نام من بپذیرد، مرا پذیرفته است و هرکه مرا بپذیرد، نه تنها مرا بلکه فرستنده مرا پذیرفته است .

انسان جدا از خدا

پاسخ به سؤالات

^{۱۸} در روز هفتم کودک مرد و خادمان داوود می ترسیدند که این خبر را به او بدهند. آنها گفتند: «زمانی که کودک هنوز زنده بود داوود به سخنان ما پاسخ نمی داد، ما چگونه می توانیم این خبر را به او بدهیم؟ زیرا ممکن است به خود صدمه برساند.» ^{۱۹} اما وقتی داوود دید که خادمانش آهسته صحبت می کنند، فهمید که طفلش مرده است. از آنها پرسید: «آیا کودک مرده است؟» آنها جواب دادند: «بلی، مرده است.» ^{۲۰} آنگاه داوود از روی زمین برخاست. حمام کرد، عطر زد و لباس پاک پوشید. بعد به پرستشگاه برای عبادت خداوند رفت. از آنجا به خانه آمد و گفت که برایش غذا بیاورند. غذا را آوردند پیش رویش گذاشتند و او خورد. ^{۲۱} خادمانش تعجب کرده پرسیدند: «ما نمی فهمیم! وقتی که بچه زنده بود، تو روزه گرفتی و گریه کردی. حالا که او مرده است آمدی و نان می خوری.» ^{۲۲} داوود گفت: «وقتی که نوزاد هنوز زنده بود، روزه گرفتم و گریه کردم، زیرا امیدوار بودم که شاید خداوند بر من مهربان شود و او شفا یابد. ^{۲۳} اما حالا که او مرده است، چرا روزه بگیرم؟ آیا امکان دارد که او را باز آورم؟ من پیش او میروم، ولی او پیش من باز نمی گردد.»

دوم سموئیل ۱۲: ۱۸-۲۳

آیا خدا آفریننده بدی است؟ آیه؟ چرا؟ توضیح دهید

خدا خالق همه خلقت و همه چیز است حتی ظلمت و تاریکی و حتی بدی را خدا آفریده ولی نه برای انسان که در آن قرار بگیرد. اگر تاریکی آفریده نمی شد نور معنی خود را نداشت و با بودن بدی - نیکویی جلوه خاص خود را پیدا می کند. ولی در هیچ صورتی خدا بدی و تاریکی را برای ما نیافرید که ما در آن زندگی کنیم. تمام افکار خدا برای ما سلامتی و نیکویی است (ارمیاء ۲۹: ۱۱) و ما فرزندان نور هستیم (افسیان ۵: ۹)

^۷ من روشنایی و تاریکی را آفریدم، من پدید آورنده نیک و بد هستم، من خداوند همه این کارها را انجام می دهم.

اشعیاء ۴۵: ۷

زیرا خداوند می گوید: فکری را که برای شما دارم می دانم که فکری سلامتی می باشد و نه بدی تا شما را در آخرت امید بخشم.

ارمیاء ۲۹: ۱۱

زیرا که میوه نور در کمال، نیکویی و عدالت و راستی است.

افسیان ۹: ۵

انسان جدا از خدا

پاسخ به سؤالات

آیا دل خدا از آفرینش ما این بود که ما وارد تاریکی شده و تا ابد در تاریکی و در دوری از او زندگی کنیم؟ اگر بله و یا نه؛ توضیح دهید چرا؟

بهیچ وجه، او می خواست که ما تا ابد در حضور او باشیم و بر روی زمین سلطنت کنیم و تمام فرشتگان و طبیعت و حیوانات در کنترل ما باشند و تا ابد در شادی و آرامش و پیروزی زندگی کنیم و هرگز نمی رویم. حتی از نظر فیزیکی نیز بنا نبود که ما بمیریم چه برسد مرگ روحانی و دوری ابدی. او عاشق ماست و بخاطر محبتش می خواهد که در نور او وارد شده و تا ابد باقی بمانیم.

آیا انسان گناهکار می تواند به خدا برسد و به حضور او بیاید؟ آیا روش و کاری هست که انسان انجام دهد که خدا آنرا بپذیرد و به دلیل آن کار یا عمل ما، ما را بیامرزد و گناهان ما را عفو کند؟

بهیچ وجه راهی وجود ندارد. انسان گناهکار مانند شخصی است غرق شده در دریا و احتیاج به نجات دهنده دارد.

خدا به دنبال انسان



خواست ازلی خدا برای زندگی انسان:

از زمان گناه آدم و حوا و دوری آنها از حضور خدا تا به امروز همهٔ افراد روی زمین که دنیا می آیند گناه کرده اند و از جلال خدا قاصرند و از استاندارد خدا بدور هستند. تا ابد در تاریکی و در دوری از او زندگی کنیم. او می خواهد که ما تا ابد در حضور او باشیم و بر روی زمین سلطنت کنیم و تمام فرشتگان و طبیعت و حیوانات در کنترل ما باشند. (آفرینش ۱: ۲۸). حتی از نظر فیزیکی نیز بنا نبود که ما بمیریم چه رسد به مرگ روحانی و دوری ابدی. او عاشق ماست و بخاطر محبتش می خواهد که در نور او وارد شده و تا ابد باقی بمانیم.

نتیجه و سزای گناه:

می دانیم که نتیجه و کفارهٔ گناه مرگ است. مرگ روحانی که انسان آن را در روی زمین تجربه می کند با مرگ جسمانی به ابدیت تبدیل می شود. مرگ روحانی زمانی است که روح انسان تا ابد از خدا جدا می گردد اگر نجات نیافته باشد. در حقیقت جریمه و نتیجهٔ گناه در زمان مرگ جسمانی ما نقد می‌گردد. ریختن خون یک نشانهٔ مرگ است. در آیهٔ لاویان ۱۷: ۱۱ خدا می‌گوید: که جان ما در خون ماست و او نمی خواهد که خون ما ریخته شود. به همین دلیل وقتی آدم و حوا بعد از سرپیچی از خدا دریافتند که عریانند، احساس خجالت و شرم و گناه کردند و برای برگشت به حضور خدا خود را با برگ انجیر پوشاندند (کفاره با اعمال خود).

خدا به دنبال انسان

ولی چون برگ انجیر موقتی است و نمی تواند دائماً عریانی و گناه آنان را بپوشاند خود خدا اولین حیوان را قربانی کرد تا آنان را بپوشاند. (پیدایش ۳ : ۲۱). خون بره به جای خون آنان ریخته شد ، پس اولین حیوان را خدا قربانی کرد تا آدم و حوا بتوانند بوسیله پوشش پوست حیوان (بره) به خدا نزدیک گردند.

پیشگویی ها در کلام مقدس درباره نجات انسان

درست بعد از گناه آدم و حوا خدا نقشه خود را برای دادن قربانی نهایی در آیه پیدایش ۳ : ۱۵ اعلام کرد. این قربانی و یا بره نهایی کسی جز خود خدا که از گناه میراست نمی توانست باشد . فقط خود خداست که ما را توسط خون بره نهایی که عیسی مسیح است می تواند نه تنها از اسارت گناه بلکه از مرگ روحانی و اسارت شیطان آزاد سازد ، خدا بارها و بارها بوسیله کتب و انبیاء پیشگویی می کند که می آید تا ما را نجات دهد. (اشعیا ۴۵ : ۵ و ۱۷) ، (اشعیا ۲۵ : ۹) ، (اشعیا ۴۰ : ۳۰) و (اشعیا ۴۰ : ۹ - ۱۱) .

همچنین بارها پیشگویی شده بود که خدا جسم پوشید. (اشعیا ۷ : ۱۴) ، (اشعیا ۹ : ۶) ، (ملاکی ۳ : ۱) ، (یوحنا ۱ : ۱ و ۱۴) او به صورت یک ولد و نوزاد و پسر می آید و او برای قربانی شدن می آید (اشعیا ۵۳) او به صورت کلمه (هستی و منشاء دلیل تمام هستی و کاینات) در میان ما جسم پوشید و ساکن شد و برای ما بره نهایی گشت و او قربانی گناه شد.

(دوم قرن بیان ۵ : ۲۱) پیشگویی شده بود که او گناهان ما را بر خود خواهد گرفت، او می بایست به شباهت ما بشود ولی در زمین گناه نکند تا بتواند تمام گناهان و حتی دردها و غمهای ما را بر خود گیرد ، به همین خاطر او از رحم یک زن درست مثل ما به این دنیا آمد تا مبادا کسی بگوید که تو دردهای من را حس نکردی و یا تو حتی درد در موقع زائیده شدن و اولین گریه مرا تجربه نکردی. او تمام زندگی ما را در روی زمین تجربه کرد ولی مثل ما گناه نکرد تا قربانی ما شود.

آمدن خدا بر روی زمین

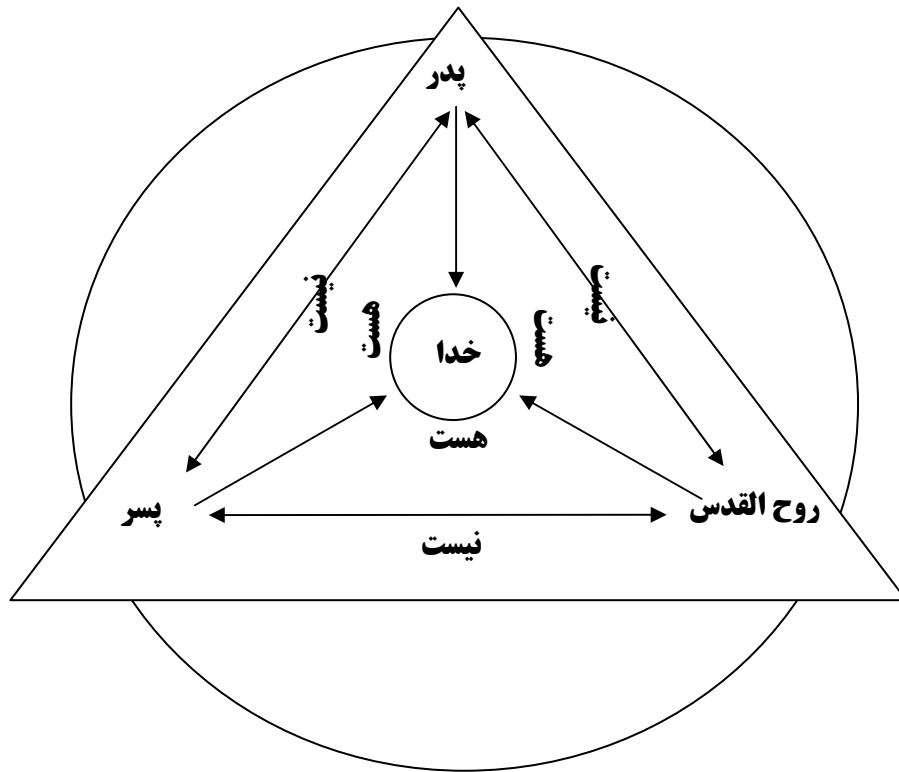
در تمام طول تاریخ از هابیل و ابراهیم و موسی گرفته تا روزی که از قبل معین شده بود یعنی زمانی که خود خدا به صورت عیسی مسیح بر روی زمین آمد ، تمام انبیاء و منتظرین خداوند برای ورود به حضور خدا بره و یا حیوانی را بعنوان قربانی و کفاره تقدیم به خدا می کردند. همانطور که قبلاً خدا در کتب عهد عتیق وعده داده بود آخرین قربانی را هم خود خدا داد. وقتی عیسی آمد یحیی تعمید دهنده گفت این است بره خدا (خدا انسان شد) که گناه جهان را بر می دارد. (یوحنا ۱ : ۲۹)

خدای قادر مطلق که قادر به انجام هر کاری است جسم انسانی پوشید ، به روی زمین آمد تا نه تنها بوسیله خون خود بر روی صلیب جرمه گناهان ما را بپردازد بلکه مثل ما روی زمین زندگی کند ولی مرتکب گناه نشود تا نمونه یک انسان کامل را بر روی زمین به ما نشان دهد. (افسسیان ۴ : ۱۳) به این ترتیب خدا که خدای عشق و محبت است ، محبت پدری خود را به ما که فرزندان او هستیم نشان داد.

خدا به دنبال انسان

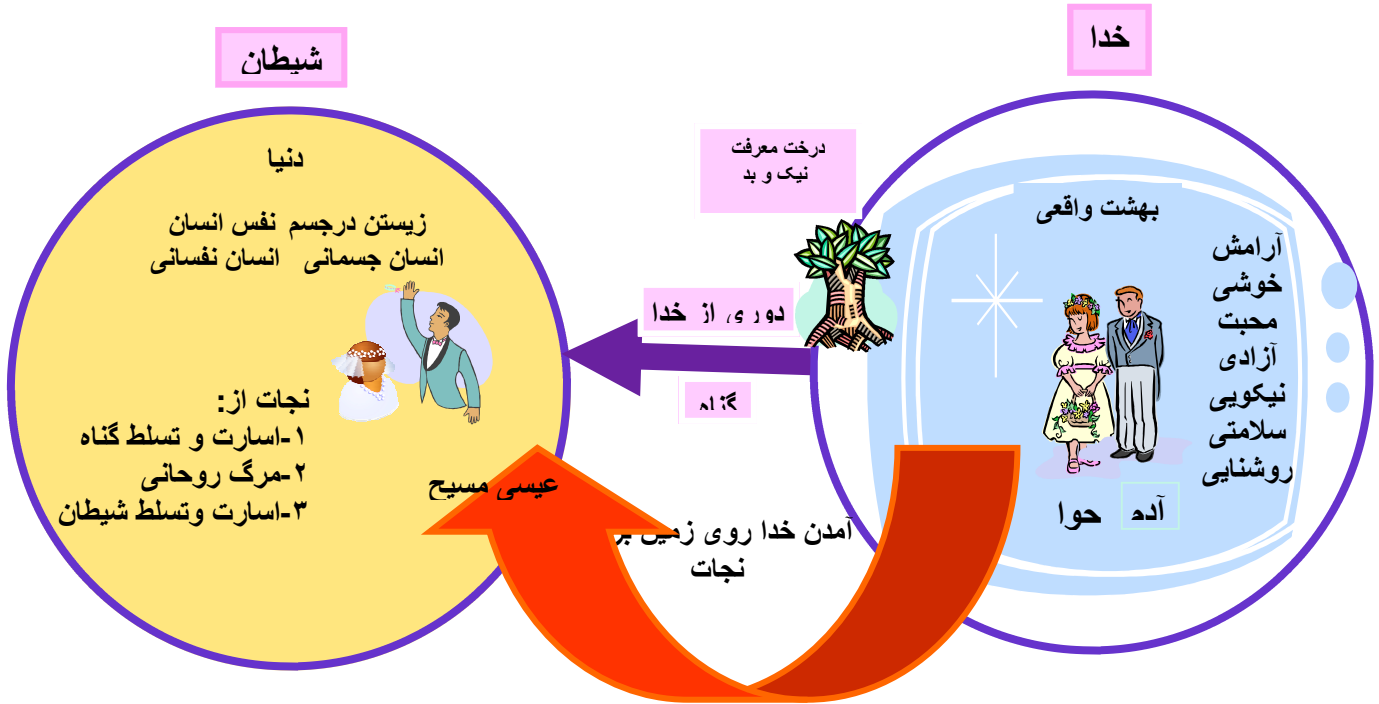
ثلیث اقدس

خدا خود را به سه صورت پدر ، پسر ، روح القدس به ما نشان داده است . مانند آب که ذات و فرمول آن H_2O است ولی می تواند به صورت اقیانوس (آب) در سراسر جهان باشد ، می تواند به صورت یخ و به صورت بخار باشد. حتی در 4 درجه سانتی گراد می تواند در یک جا به هر سه صورت آب ، یخ ، و بخار با یک فرمول H_2O وجود داشته باشد . به همین صورت خدای واحد که ذات او خداست می تواند به صورت پدر در سراسر جهان ما را محبت کند ، می تواند به صورت پسر جسم بیوشد و میتواند به صورت روح القدس در ما ساکن گردد.

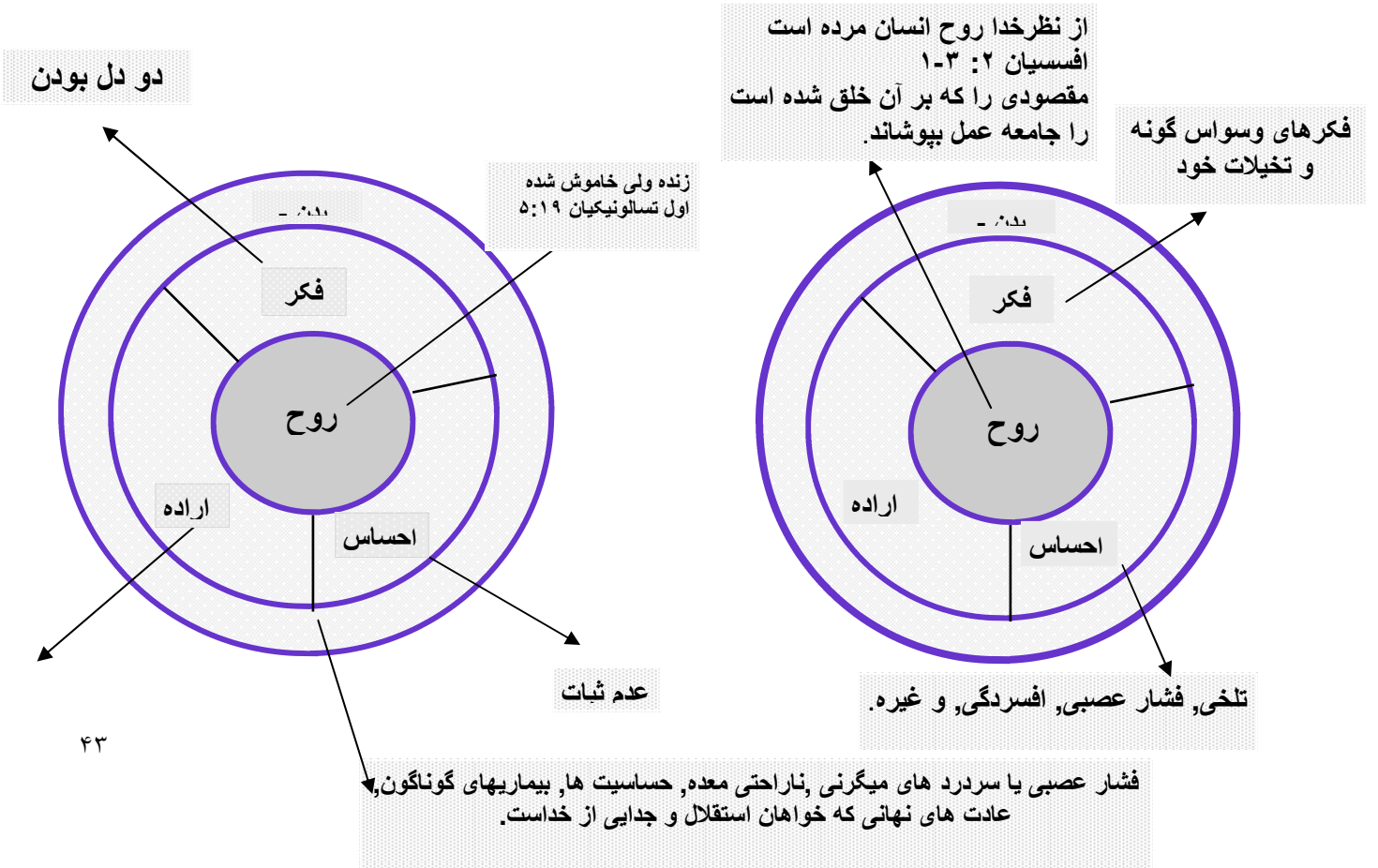


از اول زمان از زمانی که خدا بوده به همین سه مظهر بوده ولی در وقت معین خود را به ما نمایان کرده است ، در کتاب پیدایش فصل یک آیه دوم روح خدا (روح القدس) بوده و در کولسیان فصل یک آیه ۱۵ تا ۱۷ میخوانیم که آفرینش بوسیله مسیح (پسر) بوده است. پس در آفرینش سه مظهر خدا در عمل بوده است ، برای همین است که خدا می گوید که آدم را شبیه ما بسازیم (پیدایش ۱ : ۲۶). این لغت "ما" رجوع می کند به خدای مرکب (پدر + پسر + روح القدس)

موقعیت سوم خدا به دنبال انسان می آید که انسان را نجات



انسان دور از خدا در دنیا



خدا به دنبال انسان

پاسخ به سؤالات

آیا می دانید چرا در عهد عتیق خدا بره را برای قربانی مقرر کرد و چرا باید خون بره ریخته شود؟

انسان گناه کرد و عریانی خود را حس کرد و فهمید . خدا برای پوشش او حیوان (بره) را قربانی کرد تا از پوست آن انسان را بپوشاند. تا اینکه در روز نجات آمده و خون خود را بعنوان بره نهائی ریخته و گناهان ما را بپوشاند. پیدایش ۳ : ۲۱ قربانی اول را داد و در یوحنا ۱ : ۲۹ قربانی نهائی را داد. و همچنین می دانیم که نتیجه گناه مرگ است . مرگ روحانی که انسان آن را در روی زمین تجربه می کند که با مرگ جسمانی به ابدیت تبدیل می گردد. مرگ جسمانی زمانی است که روح انسان تا ابد از خدا جدا می گردد اگر نجات پیدا نکند. در حقیقت جریمه و نتیجه گناه در زمان مرگ جسمانی ما نقد می گردد. ریختن خون یک نشانه مرگ جسمانی است. در آیه لاویان ۱۷ : ۱۱ خدا می گوید که جان ما در خون ماست. و او نمی خواهد که خون ما ریخته گردد. به همین دلیل خود او روی صلیب خون خود را ریخت تا خون ما ریخته بشود .

معنی کفاره چیست ؟

به معنی پوشش است . و به معنی پوشاندن گناه بکار می رود ولی به معنی پرداخت جریمه گناه نیز در فرهنگ فارسی بکار برده شده است .

اولین حیوان قربانی را چه کسی داد و برای چه بود ؟

آدم و حوا بعد از سرپیچی از خدا دریافتند که عریانند و آنا احساس خجالت و شرم و گناه کردند . آنان سعی کردند برای رفتن به حضور خدا و صحبت با او خود را با برگ انجیر بپوشانند. (کفاره با اعمال خود) اما برگ درخت خشک می شود و موقتی است و نمی تواند دائماً عریانی و گناه او را بپوشاند. بنابراین خود خدا اولین حیوان را قربانی کرد تا لباس به آنان بپوشاند. (تا آن زمان حتی حیوانی کشته نشده بود و انسان سبزیخوار بود . آدم حتی بر حیوانات اسم گذاری کرده بود). فصل ۳ پیدایش آیه ۲۱

انسان از چه چیز می بایست نجات یابد ؟

۱ - اسارت و تسلط گناه

۲ - مرگ روحانی

۳ - اسارت و تسلط شیطان

چه کسی می تواند ما را از ۳ مسئله بالا نجات دهد ؟

فقط خود خدا که ما را توسط خون بره نهائی که عیسی مسیح ناصری است می تواند آزاد کند . خدا جسم پوشید و خود را عیسی نام نهاد و با مرگ و برخاستن او به صورت ۱۰۰٪ انسان به من انسان این اجازه را می دهد که با درک این مطلب و قبول و اعلام آن از ۳ مسئله نام برده شده آزاد شویم .

خدا به دنبال انسان

پاسخ به سؤالات

چگونه خدا جریمه گناه ما را پرداخت کرده است؟

بوسیله خون خود روی صلیب تا ما دیگر جریمه را پرداخت نکنیم. او در روی صلیب گفت که تمام شد (یوحنا ۱۹ : ۳۰) به زبان یونانی این جمله ترجمه کاملتری دارد . اصل یونانی می گوید پرداخت شد و به تمامی و کامل پرداخت شد . یعنی تمام جریمه گناهان ما پرداخت شد .

در عهد عتیق انسان گناه کرد و از خدا جدا شد و برای برگشت و مشارکت با خدا احتیاج به پوشش بود. این پوشش چه بود؟

این پوشش (کفاره) خون بره بود که در عهد جدید او با خون خود ما را نه تنها پوشش داد و کفاره کرد بلکه گناه را محو کرد .

این پوشش را چه کسی اول فراهم کرد؟

خود خدا در پیدایش ۳ : ۲۱ .

برای پرداخت جریمه و پوشش گناه خون باید ریخته شود . آیه مربوط به آن را بنویسید؟

لاویان ۱۷ : ۱۱

مورد این مطلب که خدا نجات دهنده است نه هیچ انسانی آیه ای از اشعیا بنویسید .

اشعیا ۱۲ : ۲-۳

آیه ای را در اشعیا در مورد این که خدا واحد است را بنویسید؟

اشعیا ۴۵ : ۵ - ۶

آیه ای از اشعیا بنویسید که نشان می دهد و پیشگوئی شده است که خدا می آید (به صورت انسان میآید) ؟ این خدای یکتا به روی زمین میآید ؟

اشعیا ۴۰ : ۹ - ۱۰

آیه ای از اشعیا بنویسید که نشان می دهد او به صورت یک شبان می آید ؟

اشعیا ۴۰ : ۱۱

خدا به دنبال انسان

پاسخ به سؤالات

آیه ای از اشعیا بنویسید که نشان می دهد او به صورت یک انسان از یک باکره به این دنیا می آید ؟

اشعیا ۷ : ۱۴

آیه ای از اشعیا بنویسید که نشان می دهد که این ولد (پسر خدا) خودش خدای قدیر است و این پسر ، در حقیقت اعلام می کند که خودش پدر سرمدی است ؟

اشعیا ۷ : ۱۴

آیه ای از اشعیا بنویسید که نشان می دهد که این ولد (پسر خدا) خودش خدای قدیر است و این پسر ، در حقیقت اعلام می کند که خودش پدر سرمدی است ؟

اشعیا ۹ : ۶

معنی پسر خدا در آیه ای در سؤال بالا در اشعیا نوشتید چیست ؟

پسر خدا به معنی خدا جسم انسانی می پوشد . خدا در جسم *

آیا خدا قادر به انجام هر کاری هست ؟

بله (دانیال ۳ : ۱۷ و بیشتر مزامیر) بله ولی کسی می پرسد که پس چرا خودش می تواند که سنگی بسازد که خودش نتواند حمل کند؟ در جواب این حرف ها و سؤالات پاسخ این است که خدا خارج از شخصیت خود عمل نمیکند *

آیا خدا می تواند جسم انسانی ببوشد ؟

چون او قادر است بله. خدا در طول تاریخ کتاب مقدس چندین بار خود را به صورت انسان و در جسم یک مرد به افراد زیادی نشان داده است. به ابراهیم در پیدایش ۱۸ و به یعقوب در پیدایش ۳۲ با یوشع در باب ۵ و با جدعون در باب ۶ داوران .

چرا خدای واحد قادر مطلق جسم انسانی پوشید ؟

در کلام خدا از قبل پیشگویی شده بود که خدا بروی زمین می آید. (اشعیا ۱۲ ، ۴۵ ، ۲۵ ، ۴۰ ، ۷ ، ۹) او به صورت انسان می آید و مثل شبان گله خود را به آغوش می گیرد. او می آید تا گناه را بردارد. او به صورت یک ولد و نوزاد و پسر می آید. او برای قربانی شدن می آید (اشعیا ۵۳) او به صورت کلمه (هستی و منشاء و دلیل تمام هستی و کاینات ، اهیة) در میان ما جسم پوشید و ساکن شد. او برای ما بره نهایی شد. قربانی گناه (یوحنا ۱ : ۱ ، ۱۴ ، ۲۹ و دوم قرنتیان ۵ : ۲۱)

خدا به دنبال انسان

پاسخ به سؤالات

در کدام آیه کتاب عهد جدید نوشته شده است که خدا به صورت جسم انسان به روی زمین آمد؟

یوحنا ۱: ۱۴ و اول تیموتائوس ۳: ۱۶ و کولسیان ۱: ۱۵-۱۶ و فیلیپیان ۲: ۶-۷

چرا باید خدائی که برای نجات بشر آمد می بایست از رحم یک زن به این دنیا بیاید؟ چرا مثل یک فرشته نیامد؟ چرا یک باره در سن بزرگی مثلاً ۳۰ سالگی ظاهر نشد؟

پیشگوئی شده بود که او گناهان ما را بر خود خواهد گرفت. او می بایست به شباهت ما بشود ولی در روی زمین گناه نکند تا بتواند تمام گناهان و حتی دردها و غم های ما را بر خود بگیرد. به همین خاطر او از رحم یک زن درست مثل ما به این دنیا آمد تا مبادا کسی بگوید که تو دردهای من را حس نکردی و یا تو حتی دردی که در موقع زائیده شدن و اولین گریه مرا تو تجربه نکردی او تمام زندگی ما را در روی زمین تجربه کرد ولی مثل ما گناه را تجربه نکرد تا قربانی ما شود.

وقتی خدا (یهوه) وارد زمین شد خود را چه نام گذاشت؟ و این نام در عبرانی چه معنی می دهد؟

خود را عیسی نام نهاد. عیسی در اصل عبرانی یشوا است که به معنی یهوه نجات است یعنی خدا نجات دهنده من است، عیسی، خدای نجات دهنده من است.

معنی کلمه در یوحنا ۱: ۱-۳ چیست؟ با معنی اهیبه و یهوه در عهد قدیم که در خروج ۳: ۱۴ است را مقایسه کنید؟

لغت کلمه ترجمه فارسی از لغت یونانی است که لوگوس می باشد. لوگوس به معنی منشاء همه چیز، دلیل هر چیز و منشاء هستی و خود هستی است که در عهد عتیق خدا خود را به موسی به صورت لغت عبرانی اهیبه معرفی کرد و خود خدا گفت که من هستی هستم و هستم آنکه هستم. پس در یوحنا لغت کلمه و اهیبه یک معنی را برای ما نشان می دهد که لقب خود خداست و یوحنا در آیه ۱ تا ۳ می گوید که این کلمه همان خود خداست.

این کلمه جسم گردید در میان ما ساکن شد؟ در کجا نوشته شده است؟

یوحنا ۱: ۱۴ و اول یوحنا ۱: ۱-۲

در آیه بالا (جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر) را معنی کنید؟

جلال او، یعنی تجلالی، یعنی ظاهر شدن او و نمایان شدن او ولی چگونه او ظاهر شد؟ به صورت پسر که در عهد عتیق در اشعیا ۹: ۶ پیشگوئی شده بود آمد. پسری که خود پدر سرمدی است و ذات پسر و پدر خداست ولی او می تواند به سه صورت پدر، پسر و روح القدس ظاهر شود.

خدا به دنبال انسان

پاسخ به سؤالات

مانند آب که ذات و فرمول آن H₂O است ولی می تواند به صورت اقیانوس در سراسر جهان باشد و می تواند به صورت یخ و حتی به صورت بخار باشد. حتی در ۴ درجه سانتیگراد هر سه صورت آب H₂O وجود داشته باشد. به همین صورت خدای واحد که ذات او خداست می تواند به سه صورت پدر در سراسر جهان ما را محبت کند و می تواند به صورت پسر جسم بیوشد (مثل یخ) و برای این ما فاسد نشویم جان خود را فدا کند و می تواند به صورت روح القدس (مثل بخار) در ما ساکن گردد. پسر یگانه در اصل یونانی به معنی "یونیک" یعنی بی همتا و متعلق به خدای پدر معنی می دهد. هر که می خواهد خدا و یا خدای پدر را ببیند می تواند پسر یگانه را ببیند و جلال و تجلی پسر همان تجلی و ظاهر شدن خداست.

معنی بره قربانی در یوحنا ۱: ۲۹ چیست؟ آخرین قربانی را چه کسی داد و برای چه بود؟

در تمام طول تاریخ از هابیل و ابراهیم و موسی گرفته تا روزی که از قبل معین شده بود یعنی زمانی که خود خدا به صورت عیسی مسیح بر روی زمین آمد تمام انبیاء و منتظرین خداوند برای ورود به حضور خدا بره و یا حیوانی را به عنوان قربانی و کفاره تقدیم به خدا می کردند. همان طور که قبلاً خدا در کتب عهد عتیق وعده داده بود آخرین قربانی را هم خود خدا داد. وقتی عیسی آمد یحیی تعمید دهنده گفت اینک این است بره خدا (خدا انسان شد) که گناه جهان را بر می دارد.

کولسیان ۱: ۱۵ را توضیح دهید؟

عیسی صورت خدای نادیده است و در آیات بعدی کاملاً نشان می دهد که او آفریننده همه چیز است.

کولسیان ۱: ۱۹ را توضیح دهید؟

عیسی مسیح خدای جسم پوشیده است. بعضی فکر می کنند که وقتی خدا جسم پوشید قسمتی از خدا وارد زمین شد و یا او کاملاً خدا نیست. حال آنکه در این آیه اعلام می گردد که او تمامی پری در او ساکن شود یعنی او ۱۰۰٪ خدا بود و او ذات کامل خدا بود.

وقتی عیسی می گوید من و پدر یک هستیم، منظور او چیست؟

عیسی در جواب ملایان یهود که کلام تورات را می دانستند می گوید من و پدر یک هستیم آنها سنگ بر می دارند که او را بکشند چرا که می دانستند که او با گفتن این واژه در حقیقت می گوید که من خدا هستم. (یوحنا ۱۰: ۳۰، ۱۴: ۷-۸) و همین طور به آیه یوحنا ۱۰: ۳۳ توجه کنید که یهودیان چه پاسخ دادند.

بزرگترین و اولین دلیلی که خدا به صورت جسم به روی زمین آمد چیست؟

اگر شما اولین و یا آخرین و یا حتی تنها فرد روی زمین بودید او برای پرداخت جریمه گناه شما که فرزند او هستید می آمد. (یوحنا ۱: ۱۲ و ۳: ۱۶)

خدا به دنبال انسان

پاسخ به سؤالات

دومین دلیل مهم آمدن خدا به روی زمین را به صورت عیسی مسیح را با آیه توضیح دهید؟

که الگوی کامل باشد. او مثل ما در روی زمین زندگی کرد ولی گناه نکرد و نمونه یک انسان کامل را در روی زمین به ما نشان داد. (آیه ۱۳ فصل ۴ افسسیان را مطالعه کنید) .

وقتی خدا روی زمین به صورت عیسی مسیح ۳۳ سال و نیم زندگی کرد پس آیا هیچ جای دیگر روی زمین خدا نبود؟

خدای ازلی و ابدی روح است و همه جا حاضر. خدا به صورت کلمه وجود داشته و در عین حال در تمام دنیا به صورت روح از ازل حاضر بوده و هست. اگر خدا در منزل ما باشد آیا در منزل دوست ما در ایران هم هست؟ آیا درست نیست که بگوییم که خدای کامل در خانه ماست و خدای کامل نیز در آن واحد در خانه دوست ماست. اگر از خدا بخواهیم که در خانه ماست جسم بیوشد و به صورت انسان پیش ما ظاهر گردد آیا او دیگر در ایران نیست؟ و آیا خدایی که در خانه ماست کامل نیست؟ پس وقتی کلمه که خود خداست در ۲۰۰۰ سال پیش جسم پوشید از ازل بوده و خود خداست و در عین حال در همه جا حاضر. خدا در همه حال به صورت پدر و پسر و روح القدس بوده، هست و خواهد بود. (یوحنا ۱: ۱-۳ و عبرانیان ۱۳: ۸)

اگر عیسی خود خداست پس چرا به پدر دعا می کند؟

عیسی پسر خدا یعنی خدا در جسم انسان. او ۱۰۰٪ خدا و ۱۰۰٪ انسان بود. در هر کجا که عیسی دعا به پدر می کند آن شخصیت ۱۰۰٪ انسانی او به آسمان دعا می کند و به این صورت رابطه خود پسر را با پدر نشان می دهد و همچنین رابطه ما ۱۰۰٪ انسان را با خدا به صورت الگو نشان می دهد. (متی ۲۶: ۳۹) و عیسی نه تنها آمد که گناه ما را بردارد بلکه در درجه دوم یک الگو کامل زندگی و رابطه ما با خدا و سایر انسان ها شد. تا هرچه او کرد ما نیز بکنیم.

اگر عیسی خود خدا بود پس چرا بر روی صلیب می گوید: پدر چرا مرا ترک کرده ای؟

آن ۱۰۰٪ انسانی او در یک آن گناه تمام جهان را بر خود گرفته و در دوم قرتیان ۵: ۲۱ می گوید که او گناه شد. یعنی ۱۰۰٪ خدایی او دیگر نمی توانست با گناه در یک بدن ساکن باشد. و عیسی از این جدایی درد می کشید. آیا شما از جدایی از خدا ناراحت می شوید و یا اصلاً اهمیتی برای شما ندارد؟ (متی ۲۷: ۴۶) .

پدر پسر و روح القدس بعنوان سه مظهر خدا از چه زمانی وجود داشته اند؟

از اول زمان از زمانی که خدا بوده به همین سه مظهر بوده ولی در وقت معین خود را به ما نمایان کرده است. اگر در کتاب پیدایش فصل ۱ آیه ۲ روح خدا (روح القدس) بوده. در کولسیان فصل ۱ آیه ۱۵ تا ۱۷ میخوانیم که آفرینش بوسیله مسیح (پسر) بوده است. پس در آفرینش هر سه مظهر خدا در عمل بوده است برای همین است که خدا میگوید در پیدایش ۱: ۲۶ که آدم را شبیه ما بسازیم. این لغت ما رجوع میکند به خدای مرکب (الوهیم = خداوند خدا= پدر+پسر+روح القدس) .

خدا به دنبال انسان

پاسخ به سوالات

اگر عیسی مسیح که خدا بود و میگوئید که ۱۰۰٪ انسان شد پس چرا ازدواج نکرد؟ آیا ما نباید او را بعنوان الگو نیز دنبال کنیم؟ پس ما نمیایست ازدواج کنیم؟

عیسی مسیح ۱۰۰٪ انسان میتوانست ازدواج بکند ولی انتخاب کرد که این کار را نکند نه بعنوان این که ازدواج بد است بلکه در کلام در جاهای مختلف ازدواج را تشویق میکند و مبارک میخواند به آیه امثال ۱۸ : ۲۲ رجوع کنید . اما نیز میگوید که این به همه عطا نشده که مجرد باشند ولی اگر کسی مجرد باشد میتواند کار خدا را به نوع دیگر که موثرتر و وسیع تر باشد انجام دهد. چون مرد که ازدواج میکند در خانه مسولیت و زن در خانواده مسولیت هائی بیشتر و بالاتر از بشارت دارند و آن رسیدگی به خانواده است و بعد بشارت و شاگردی دیگران. ولی عیسی آمد که بشارت دادن به دنیا کار شماره یک او شود. او میتوانست ازدواج کند ولی نکرد بلکه تا گمشده را بجوید و نجات بخشد وگرنه میبایست به همسر زمینی و بچه های خود اول میرسید. حال آنکه خانواده الهی او همه ما هستیم و کلیسا در کل عروس اوست. به آیه اول قرتیان ۷ : ۷ - ۹ و همچنین آیات ۳۲ - ۳۸ در مطالعه کنید و همچنین به لوقا ۱۹ : ۱۰ توجه کنید.

برگشت انسان به حضور خدا



چگونه به حضور خدا بازگردیم؟

خدا جسم انسانی پوشید به روی زمین آمد تا در راه ا فدا شود و به وسیله او ما فرزندان خدا نجات یابیم. نجات از تسلط گناه ، مرگ ابدی و تسلط شیطان . در مقابل این فداکاری عظیم تنها کاری که ما باید انجام دهیم این است که عیسی مسیح را به عنوان خدا و خداوند خود بپذیریم.

در رومیان ۱۰ : ۹ - ۱۰ کلام خدا می فرماید: وقتی به قلب ایمان آورید یعنی باور کرده و بپذیریم که خدا برای ما چه کرده است با او یک می شویم (عادل شمرده می شویم) و با زبان بلند اعلام کنیم نجات می یابیم و با این کار نه تنها خود باور کرده ایم بلکه فرشتگان و شیاطین نیز می شنوند. تمام دنیا آفریده و فرزندان خدا هستند ولی فرزند خواندگی خود را فراموش کرده و در دنیا گم شده و خارج از خانه پدری خود هستند. هر که به مسیح ایمان آورد این امتیاز را پیدا می کند که فرزند خواندگی خود را دوباره بدست آورد و به خانه پدری بازگشته و در آنجا تا ابد بماند.

اگر آدم و حوا از طریق درخت معرفت نیک و بد (در خروج) از حضور خدا خارج شدند ، ما فرزندان می توانیم از طریق ایمان به عیسی مسیح (در بازگشت) به حضور خدا باز گردیم . عیسی مسیح خود را در یوحنا ۱۰ : ۹ "در" معرفی می کند که هر که از آن وارد شود نجات یابد.

برگشت انسان به حضور خدا

تأثیرات دریافت نجات در روح ما:

در زمان دریافت آموزش گناهان بوسیله خون مسیح و اعلام اینکه عیسی خدا و خداوند ماست ، روح القدس وارد قلب ما می شود و با ما ساکن میگردد. در واقع روح ما که در اثر گناه و دوری از خدا یعنی دوری از منبع نور ، تاریک شده بود آنرا بوسیله روح القدس روشن می گردد. این امر از زمان مرگ و برخاستن مسیح در اختیار شاگردان و ما قرار داده شده است. در واقع با ایمان به مسیح ما تولد تازه می یابیم ، یک حیات تازه و یک زندگی نو.

همانگونه که کرم ابریشم وارد پیله می شود و بعد از چندی به پروانه تبدیل می گردد. او دیگر کرم نیست بلکه یک مخلوق تازه است ، کی خلقت نو . ما نیز با دریافت مسیح زندگی تازه ای خواهیم داشت که با زندگی قبلی کاملاً فرق دارد. (دوم قرنیتیان ۵ : ۱۷) پروانه دیگر آن کرم نیست که روی خاک بگلطد بلکه پرواز کرده بر گلهای زیبا و خوش عطر می نشیند و زندگی او زندگی تازه ای است.

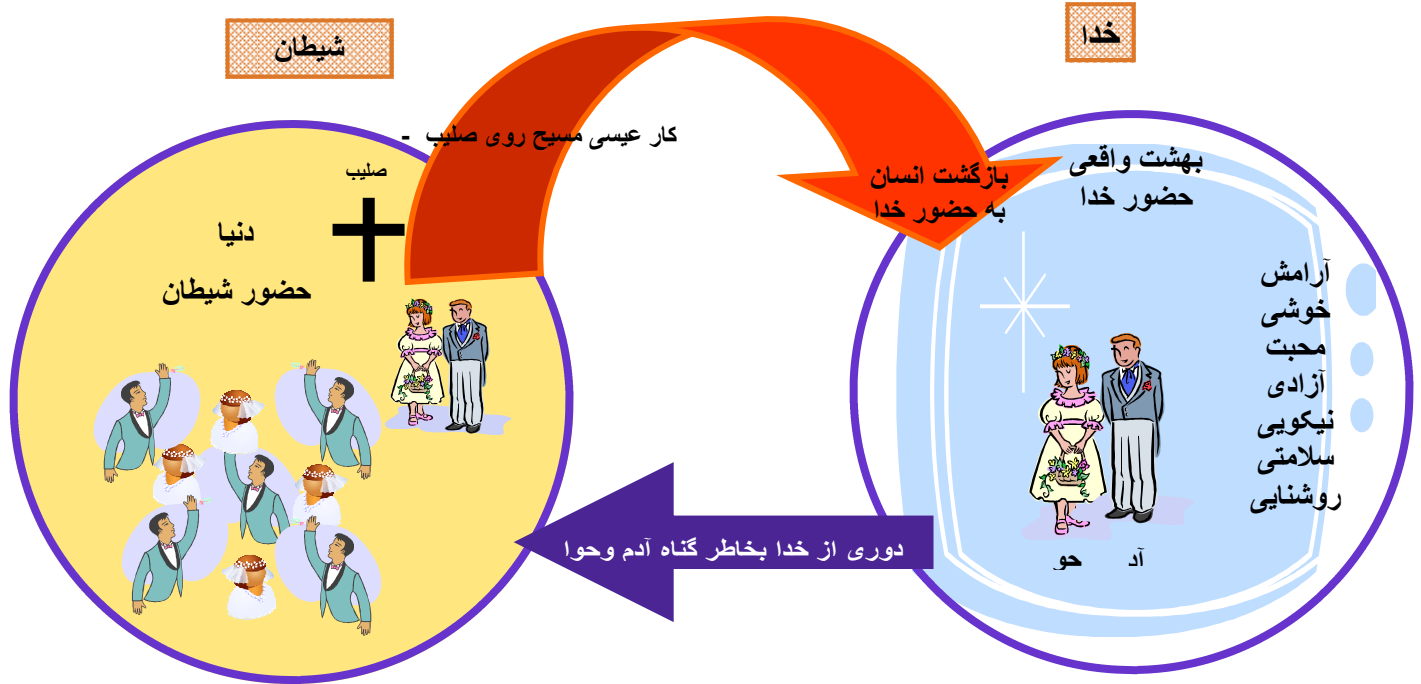
تبدیل روح و تأثیر آن بر زندگی انسان

بعد از دریافت روح خدا در لحظه نجات یک شخص مسیحی می بایست نفس خود را روزانه تحت کنترل روح خدا قرار دهد تا میوه های روح القدس از او نمایان شود.

درغلاطیان ۵ : ۲۲ میخوانیم که میوه های روح القدس عبارتند از : محبت ، خوشی یا شادی ، سلامتی یا آرامش ، حلم یا بردباری ، مهربانی ، نیکویی ، ایمان یا دراصل وفاداری ، تواضع یا فروتنی و پرهیزگاری یا خویشتنداری است. تمام این میوه ها در واقع همان مُحسناتی هستند که آدم و حوا و فرزندان آنها در اثر خروج از حضور خدا از دست داده بودند و ما با ایمان به مسیح و برگشت به حضور خدا آنها را دوباره باز می یابیم.

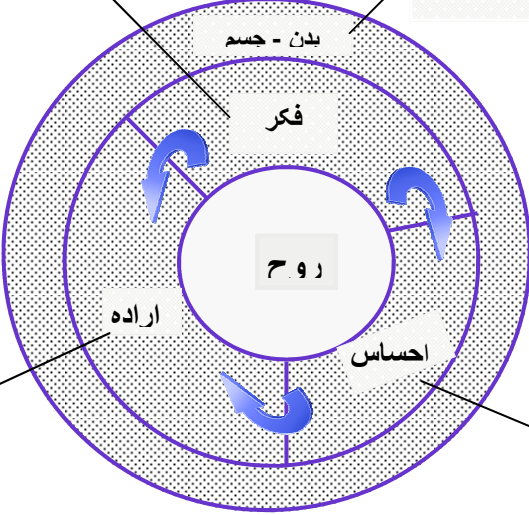
بعد از ایمان به مسیح روح ما بلافاصله تبدیل می شود ولی برای تبدیل افکار – احساسات و اراده خود می بایست نه تنها در کنترل روح خدا زندگی کنیم و روان خود را در اختیار روح خدا قرار دهیم ، بلکه می بایست در رابطه تنگاتنگ با خدا زیست کنیم و در دعا استوار باشیم. همینطور می بایست خود را روزانه با کلام خدا تغذیه کنیم ، چون روح ما نیز بمانند جسم مان به غذای روزانه محتاج است. با اینکار افکار کهنه خود را که دور از حقیقت است بدور انداخته و افکار جدید یعنی حقیقت کلام خدا را جایگزین آن می کنیم تا نمونه مسیح زندگی کنیم روزانه شاهد مسیح باشیم. شاهد کسی است که مسیح در او نمایان است و مردم مسیح را در او می بینند.

موقعیت چهارم بازگشت انسان به حضور خدا



تبدیل شده-فکر تازه
دوم قرن‌تیاں ۱۷:۵

هیكل خدا -تقدیم شده مثل قربانی زنده و مقدس
رومیاں ۱:۱۲
اول قرن‌تیاں ۶: ۱۹-۲۰



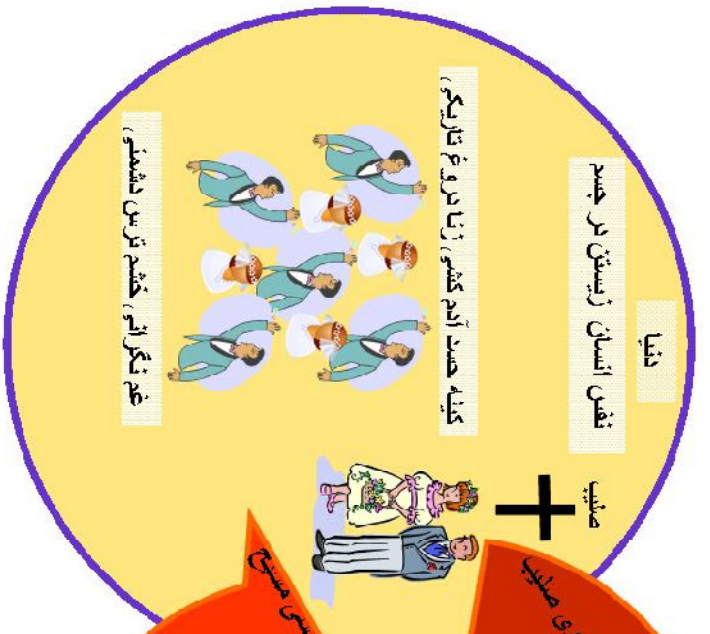
میوه های روح القدس
غلاطیاں ۵: ۱۶-۱۸

آرامش یا سلامتی
کولسیاں ۱۵:۳
شادی
فیلیپیاں ۴:۴

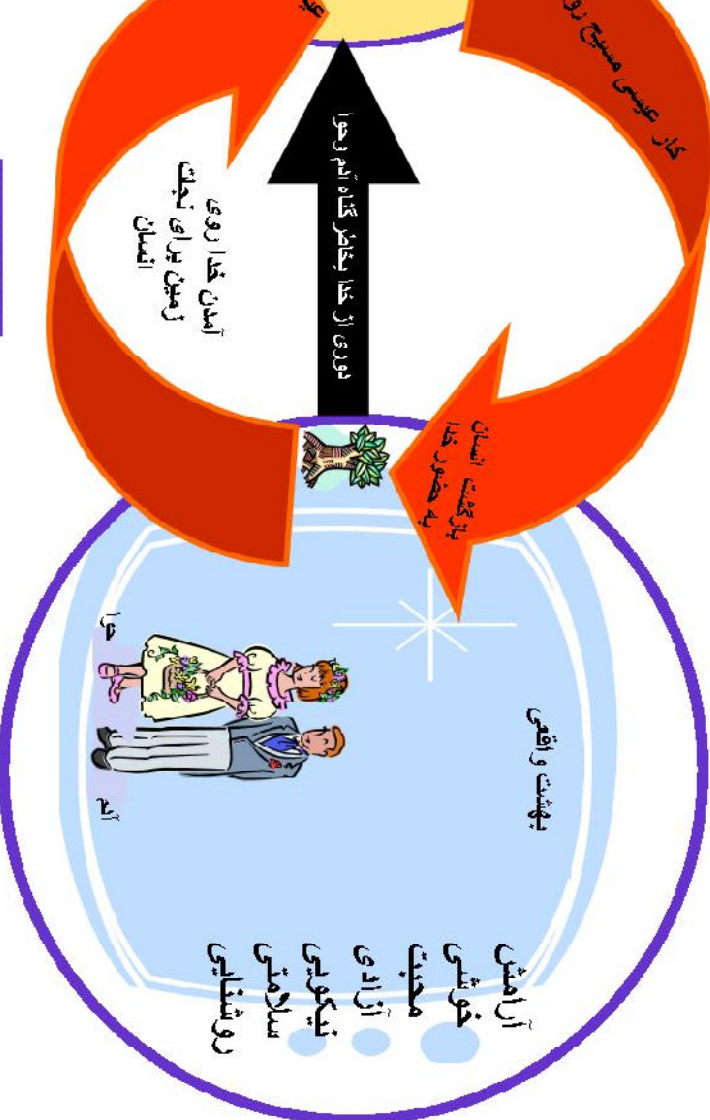
انسان روحانی - شخص نجت یافته
زندگی در روح - رومیاں ۱۰: ۹-۱۳

مسیحیت چیست: مسیح کیست و برای ما چه کرد؟

شیطان

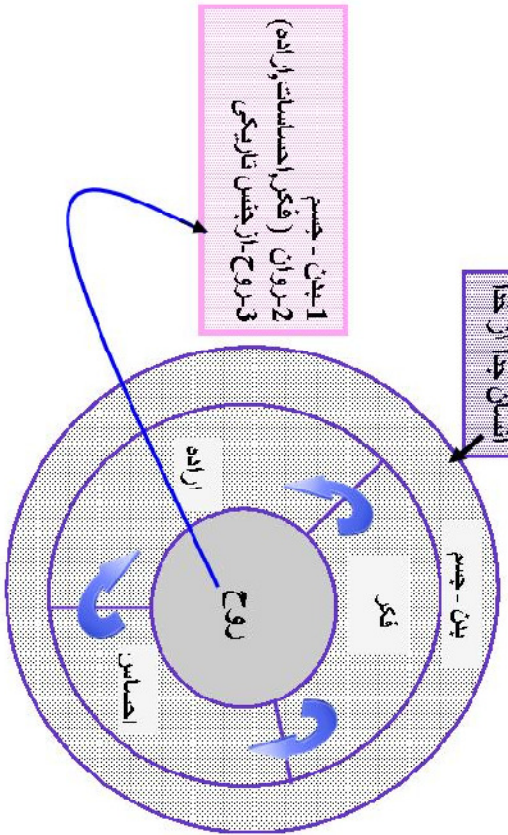


موقعیت چهارم

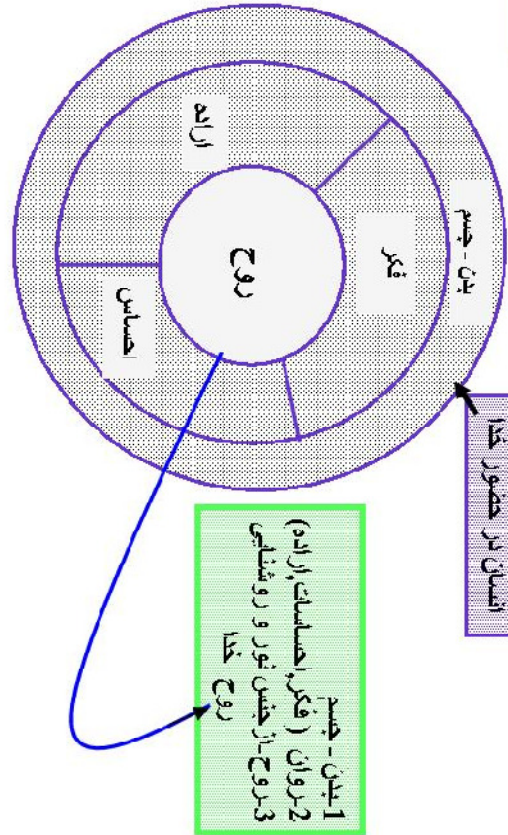


خدا

موقعیت دوم
انسان جدا از خدا



موقعیت سوم



موقعیت اول
انسان در حضور خدا

برگشت انسان به حضور خدا

پاسخ به سؤالات

وقتی عیسی مسیح را بعنوان خدا و خداوند خود می پذیرید و ایمان می آورید چرا باید او را به لبان خود اعلام کنید ؟ آیه رومیان ۱۰ : ۹ - ۱۰ را توضیح دهید .

در رومیان ۱۰ : ۹-۱۰ کلام خدا می فرماید: وقتی به قلب ایمان آورید یعنی باور کرده و بپذیریم که خدا برای ما چه کرده است با او یک می شویم (عادل شمرده می شویم) و با لب بلند اعلام می کنیم نجات پیدا می کنیم. نه تنها خود باور کرده ایم بلکه فرشتگان و شیاطین نیز می شنوند. نجات یعنی آزاد شدن از:

۱- تسلط گناه بر نفس ۲- مرگ ابدی ۳- تسلط شیطان.

با ایمان به مسیح ما تولد تازه پیدا می کنیم و خدا به ما روح خود را به عنوان هدیه می دهد. (افسیان ۱ : ۱۳ و دوم قرنتیان ۵ : ۱۷)

هرکه به مسیح ایمان آورد فرزند خدا خوانده می شود . آیه ای در این مورد بیان کنید ؟

یوحنا ۱ : ۱۲ تمام دنیا آفریده و فرزندان خدا هستند ولی فرزند خواندگی خود را فراموش کرده و در دنیا گم شده و خارج از خانه پدری خود هستند . هرکه به عیسی مسیح ایمان آورد این امتیاز را پیدا میکند که فرزند خواندگی خود را دوباره بدست آورد و در خانه پدر تا به ابد بماند.

کسی که با مسیح تولد تازه پیدا کرده با او مرده است و با او زنده شده است آیا آیه ای دارید که این مطلب را بیان کند ؟

رومیان ۶ : ۳-۶ مردن بمعنی مردن در نفس و امیال انسانی است.

کسی که با مسیح متحد است حیاتی تازه دارد و هرچه کهنه بود درگذشت و اینک زندگی تازه شروع شده . آیه مربوطه را بنویسید ؟

دوم قرنتیان ۵ : ۱۷ همانگونه که کرم ابریشم وارد پیله میشود و بعد از جندی تبدیل به پروانه میگردد ما نیز با دریافت مسیح زندگی تازه ای را خواهیم داشت که با زندگی قبلی کاملاً فرق دارد. پروانه دیگر کرم نیست که روی خاک بغلطد بلکه برگل های زیبا و خوش عطر مینشیند و زندگی تازه ایست .

برگشت انسان به حضور خدا

پاسخ به سؤالات

کسی که می پذیرد عیسی مسیح بجای او جریمه گناهانش را پرداخته آیا دیگر گناه می کند؟ و آیا یک مسیحی که روح خدا را دارد و روح پاکی در اوست آیا قادر به گناه کردن هست ؟ یا نه ؟ و اگر هست باید بکند یا نه ؟ آیا ای درباره گناه نکردن و یا گناه کردن یک مسیحی دارید ؟

آیا باید بکند ؟ خیر. ولی قادر است که بکند ؟ بله. (رومیان ۶ : ۱-۴ و اول یوحنا ۲ : ۱)

یک مسیحی واقعی به خاطر عشق به مسیح گناه نمی کند. چون می داند با هر گناه او یک چکش به دست و یا پای عیسی در روی صلیب می کوبد. شما به همسر و یا بچه های خود طوری علاقه دارید که اگر بگویید بطور مثال اگر از چهار راه خیابان کیرک و کمپن اگر هر روز رد شوید ، یک دوربین در سر آن چراغ هست که به اداره پلیس خبر می دهند و یک مامور مخفی می رود در خانه شما و فقط یک سوزن خیلی خیلی کوچک را به پهلوی بچه کوچک شما میزند. حالا شما به من بگویید از این به بعد چند مرتبه دیگر شما از آن چهار راه رد خواهید شد

در کدام آیه نوشته شده است که با دریافت عیسی مسیح خدا با روح خودش مهر مالکیت خود را بر ما میزند؟

افسیسیان ۱ : ۱۳ در این آیه ما متعلق به مسیح میشویم و مال او هستیم.

توضیح دهید که روح القدس از چه تاریخی وجود داشته و در عهد عتیق آیا روح القدس در افراد کار میکرد ؟ چگونه بوده است ؟

روح القدس یعنی خود خدا به صورت روح که می تواند در ما ساکن شود. او خداست و از روز ازل بوده .و خواهد بود و در پیدایش ۱ : ۲ در خلقت حضور روح القدس را می بینیم. روح خدا در افراد بخصوص مثل انبیاء کار می کرده و به آنها داده می شده تا کلام خدا را یا اعلام کنند و یا معجزات خدا روی زمین نمایان شود بعد از آنها گرفته می شده. ولی در زمانی که شاگردان و ما به عیسی مسیح ایمان می آوریم روح او در ما ساکن می گردد و دیگر ما را ترک نخواهد کرد .

توضیح دهید که روح القدس از چه تاریخی به مسیحیان داده شده که در آنها ساکن گردد ؟

در زمان دریافت آموزش گناهان بوسیله خون مسیح و اعلام اینکه عیسی خدا و خداوند ماست. در همان لحظه وارد قلب ما می شود و با ما ساکن می گردد. این امر از زمان مرگ و برخاستن مسیح در اختیار شاگردان و ما قرار گذاشته شده است . و در روز پنتیکاست (۵۰ روز بعد از مرگ و قیام مسیح در روز یکشنبه) به تمام خواستاران او به پُری و با قدرت داده شده است .

برگشت انسان به حضور خدا

پاسخ به سؤالات

روح القدس چیست؟ و یا کیست؟ کدام صحیح است؟

روح القدس شخص خود خداست و او انرژی و یا "چیز" نیست پس لغت "چیست" صحیح نیست بلکه "کیست" درست است. بلکه خداست که بعد از آموزش گناهان توسط خون مسیح به عنوان هدیه و بیعانه برکات آینده به ما داده می شود و در ما ساکن می گردد.

برای دریافت روح خدا چه باید کرد؟

هر که مسیح را به عنوان نجات دهنده و خدا و خداوند بپذیرد روح القدس را به عنوان بیعانه وعده های خدا در زمین و در آسمان دریافت می کند. (افسیان ۱: ۱۳ و دوم قرنتیان ۱: ۲۲)

وقتی روح القدس را دریافت کردید چه اتفاقی برای شما می افتد؟

تولد تازه دارید. (دوم قرنتیان ۵: ۱۷) و ثمرات روح خدا از ما جاری می گردد (غلاطیان ۵: ۲۲)

میوه های روح القدس کدامند، نام ببرید؟ آیه؟

در کتاب غلاطیان ۵: ۲۲ به ترتیب ۹ میوه را نام می برد که در وقت نجات به یک ایماندار از طرف روح خدا داده می شود. یک شخص مسیحی می بایست نفس خود را روزانه تحت کنترل روح خدا قرار دهد تا این میوه ها از او نمایان شود. نه آنکه ندارد بلکه بعنوان هدیه یک جا به او در وقت نجات داده شده است ولی نفسی که نمرده است نمی گذارد که این میوه ها از ما بیرون بیاید. ۱- محبت ۲- خوشی یا شادی ۳- سلامتی یا آرامش ۴- حلم یا بردباری ۵- مهربانی ۶- نیکویی ۷- ایمان یا در اصل وفاداری ۸- تواضع یا فروتنی ۹- پرهیزگاری یا خوشتن داری.

شخص روحانی کیست؟ و شخص جسمانی کیست و چه معنی می دهد؟ با آیه؟

شخص روحانی کسی است که با روح خدا کنترل می گردد و روان او (نفس) او در اختیار روح خدا و در کنترل اوست و عملاً "نفس او مرده و روح خدا در او زنده است و مسیح در او زندگی و از طریق او زندگی می کند (غلاطیان ۲: ۲۰) و تمام میوه های روح از او نمایان است. (غلاطیان ۵: ۲۲)

اما شخص جسمانی کاملاً مخالف شخص روحانی، روان (جان یا نفس) او کاملاً "زنده و او را کنترل می کند و میوه های نفس (جسم) در غلاطیان ۵: ۱۹-۲۱ از او نمایان است.

برگشت انسان به حضور خدا

پاسخ به سؤالات

شاهد مسیح بودن برای شما چه معنی و مفهومی دارد ؟

شاهد در اصل یونانی آن از لغت شهید می آید. کسی که حاضر است برای مسیح شهید شود. ولی مسیح نمی خواهد که ما شهید شده و برای او جان بدهیم چون او این کار را برای ما کرده است. می خواهد ما نفس خود را مرده اعلام کنیم و بکشیم تا روح او ما را کنترل کند تا او از طریق روح خود از ما نمایان شود لغت جلال یابد یعنی تجلی یابد و ظاهر گردد . شاهد کسی است که مسیح در او نمایان است و مردم مسیح را در او می بینند . او نمونه مسیح است .

بشارت دادن یعنی چه ؟

وقتی که ما نمونه مسیح زندگی کردیم مردم از ما دلیل عوض شدن ما را خواهند پرسید در آن وقت می توانید با فروتنی و حلم و احترام در باره عوض شدن خود و دلیل آن صحبت کنید . وقتی از نحوه عوض شدن خود صحبت می کنید می گویند که شهادت میدهید و وقتی که از دلیل عوض شدن صحبت می کنید می گویند که بشارت می دهید . پس بشارت دادن ، یعنی بیان خبر خوش (انجیل مسیح - مژده نجات - آمدن خدا در جسم و فداکاری او بر صلیب ، مرگ و رستاخیز او از مردگان) می باشد .

کلیسا یعنی چه ؟

جمع ایمانداران به مسیح کلیسا خوانده می شود. کلیسا افراد یعنی ما و شما هستیم نه ساختمان. ساختمانهایی که کلیسا یعنی ایمانداران جمع می شوند می بایست به عنوان ساختمان کلیسا بیان شود .

لغت مشارکت برای شما چه معنی می دهد ؟

مشارکت یعنی رابطه روحانی ایمانداران با یکدیگر. در مسیحیت لغت معاشرت که از لغت عیش و عشرت می آید وجود ندارد (منظور اینست که استفاده ندارد) بلکه یک مسیحی با دنیای بیرون و کسانی که هنوز مسیح را بعنوان خدا و خداوند نپذیرفته اند فقط رابطه محبت و بشارت را دارد و با ایمانداران رابطه مشارکت . اگر وارد یک مهمانی می شوید که مردم هنوز با مسیح آشنا نیستند وظیفه شما اینست که شاهد خوب مسیح باشید تا بر آنها اثر مثبت مسیح را بگذارید نه آنکه آنان بر شما اثر بگذارند . اگر در یک جمع ایمانداران بودید نیز وظیفه شما اثر مثبت گذاشتن بر سایر برادران و خواهران ایمانی شماست تا آنان از ایمان و رفتار شما بنا گردند و به شباهت مسیح برسند . و ما نیز از آنها بنا گردیم تا ما هم از ایمان تا ایمان جلو برویم .

برگشت انسان به حضور خدا

پاسخ به سؤالات

آیا می‌توانید بگوئید که چرا و به چه دلیل تشویق شده‌اید که به شباهنگ بروید؟

شباهنگ یک محلی است که ۱- برای مشارکت با ایمانداران دیگر و تجربه رشد روحانی با یکدیگر و درک خانواده الهی و تجربه زندگی در طول هفته با یکدیگر است نه فقط یکشنبه به یکشنبه ۲- دعوت از مهمانان جدید به شرکت در این خانواده تا با رابطه سالم با شمادر شباهنگ (طول هفته نه فقط یک شب جمع شدن) مسیح را در شما ببینند و آنان مسیح را از طریق شما تجربه کنند. ۳- پرستش و دعا ۴- تعلیم کوتاه ولی عملی ۵- رسیدگی به احتیاجات شخصی یکدیگر. دلیل این دعوت، یک دعوت به خانواده الهی است که باعث رشد من و شما می‌شود.

آشنایی با کتاب مقدس



محتوای کتاب مقدس

هر فردی دارای مرجع و ملاک خاصی است که بر اساس آن فکر کرده و عمل می کند. برای مسیحیان این ملاک کتاب مقدس است.

کتاب مقدس شامل ۶۶ کتاب می باشد که بوسیله ۴۰ نفر در طول ۱۶۰۰ سال نوشته شده است. اگر چه بسیاری از نویسندگان کتاب مقدس در یک محل نبودند ، یکدیگر را نمی شناختند و حتی در قرنهای مختلف زندگی می کردند با این وجود در نوشته های آنها در این ۶۶ کتاب تناقضی وجود ندارد. این نوشته ها پراکنده نمی باشد بلکه هر کتاب مانند بخشی از یک تابلو می باشد که وقتی در کنار یکدیگر قرار می گیرد صحنه ای را با یک پیغام واحد و زیبا ترسیم می نماید. این پیغام داستان عاشقانه خالق این جهان است که مخلوق خود را به شدت دوست می دارد و مشتاق رابطه نزدیک و ممتد با او می باشد. در این داستان ، انسان گناهکار از خدای پر محبت جدا شده و در درد و رنج و مرگ و نابودی قرار میگیرد. اما خدا برای نجات انسان محبوبش دست به کار شده و با جانفشانی او را به پیش خود بر می گرداند.

کتاب مقدس کتابی منحصر به فرد بوده و از جانب خدا الهام شده است. به همین دلیل کتب مختلف آن همگی یک داستان را تعریف می کنند. در واقع نویسنده تمام این کتب روح القدس است که از طریق انسانها و با استفاده از شخصیتهای آنها این کتاب داستان و حقایق روحانی در مورد خدا را در غالب کلمات آورده است . (دوم پطرس ۱ : ۲۱ ، دوم تیموتاوس ۳ : ۱۶)

آشنایی با کتاب مقدس

کتاب عهد عتیق شامل ۳۹ کتاب و عهد جدید ۲۷ کتاب می باشد. کلمه « عهد » نه به معنی دوره بلکه به معنی « پیمان » می باشد. « عهد » همواره بین دو طرف بسته می شود که هر کدام از طرفین تعهد می کنند مسئولیتهایی را به عهده گرفته و به انجام برسانند. « عهد » ، « قرارداد » نیست. در قرارداد اگر یکی از طرفین به وظایف و تعهدات خود عمل ننماید ، آن قرارداد می تواند نسخ شود. اما در « عهد » حتی اگر یک طرف در انجام وظایف خود کوتاهی کند ، باز طرف دوم به انجام وظایف خود متعهد می باشد و این عهد به قوت خود باقی می باشد. خداوند با ما « عهد » بسته است نه « قرارداد ». او بدون توجه به کوتاهی ها و گناهان ما ، نقشه نجات ما را ریخت و آن را به انجام رسانید.

کتاب عهد عتیق:

۳۹ کتاب عهد عتیق را می توان به ۵ گروه تقسیم نمود:

۵ کتاب : کتاب تورات (شریعت) از پیدایش تا تثبیه

۱۲ کتاب : کتاب تاریخی از یوشع تا استر

۵ کتاب : کتاب شعری از ایوب تا غزل غزلها

۵ کتاب : کتاب انبیای بزرگ از اشعیا تا دانیال

۱۲ کتاب: کتاب انبیای کوچک از هوشع تا ملاکی

کتاب عهد جدید:

۲۷ کتاب عهد جدید را می توان به ۴ گروه تقسیم نمود:

۵ کتاب : کتاب تاریخی از متی تا اعمال رسولان

۱۳ کتاب : نامه پولس از رومیان تا فلیمون

۸ کتاب : نامه های دیگران از عبرانیان تا رساله یهودا

۱ کتاب : نبوت مکاشفه

آشنایی با کتاب مقدس

در کتب عهد عتیق و عده ها و پیشگویی های بسیاری را می بینیم در مورد اینکه خدا برای نجات بشر چه خواهد کرد و خلاصهٔ عهد جدید این است که خدا کاری را که در عهد عتیق گفته بود به انجام رسانید.

آشنایی کامل و عمیق با کتاب مقدس از اهمیت خاصی برخوردار است . با مطالعهٔ کتاب مقدس است که با شخصیت ، روحیه ، اراده و روش کار خداوندمان آشنا می شویم. آشنایی با این حقایق نه تنها فکر ما را لمس کرده و پر می کند بلکه روح و قلب ما را نیز لبریز می سازد تا قادر شویم نه تنها خود بر طبق ارادهٔ او زندگی کنیم بلکه دیگران را تعلیم داده و باعث برکت آنان شویم.

معنی و تفسیر واژه ها

پسر خدا

خدا جسم پوشیده (عیسی فرزند خدا نیست) فرزند - زاییده شده

خداوند

صاحب و مالک

اهیه

هستم آنکه هستم

یهوه

خدای هستی (از لغت هستم آنکه هستم گرفته شده)

کلمه

هستی ، دلیل همه چیز، منشاء

عیسی

خدا نجات است (نجات دهنده)

مسیح

مسح شده ، پادشاهان را مسح می کردند، پادشاه (خدا)

عمانوئیل

خدا با ما

عهد عتیق

پیمان قدیم ، عهد بعنوان زمان و دوره نیست بلکه پیمان خدا با ما از طریق کلام خود و پیامبران. این پیمان دوستی و رابطه صحیح در ۳۹ کتاب بعنوان کتب عهد عتیق و یا تورات و کتب انبیاء معروف است

معنی و تفسیر واژه ها

عهد جدید

پیمان جدید که در خون عیسی مسیح خداوند با ما بست که به ما حیات جاودانی دهد. این نیز بعنوان زمان جدید نیست بلکه عهد عشق خدا و نجات خدا برای بشر است که در ۲۷ کتاب که در جمع به انجیل شناخته شده برای ما بیان شده است.

لغت انجیل

خبر خوش، مژده، از لغت انجیل یونانی که در انگلیسی نیز بعنوان فرشته که همیشه خبر خوش می آورد گرفته شده.

کفاره

پوشش (پوشش گناه)

قصاص

جزا، مجازات، مکافات و داوری

رحمت

بخشش (آنچه جریمه ما بوده و یا حق ما بوده و عفو گردد)

فیض

بخشش (آنچه حق ما نیست ولی به ما داده و بخشیده می شود)

راستی

حقیقت، حق (عیسی فرمود من راه و راستی هستم)

عدالت

پارسائی - نیک مطلق. یکی شدن با خدا، در رابطه درست با خدا بودن.

عادل شمرده شده

پارسا. کسی که خدا او را بدون گناه می بیند (بخاطر خون مسیح).

معنی و تفسیر واژه ها

آیا عیسی مسیح فرزند خداست؟

خیر ، لغت فرزند در فارسی از لغتی گرفته شده که بمعنی زاییده شده از انسان دیگر و متعلق به آن شخص . مثل شمعون فرزند یونا یا اینکه مثلاً " شما فرزند مادرتان هستید . ولی عیسی فرزند خدا نیست چون خدا کسی را نزاییده و از کسی زاییده نشده است . بلکه لغت پسر خدا یعنی خدا جسم پوشیده . و تنها لقب عیسی مسیح است و بس. در کتب انجیل تفسیری و انجیل شریف ، مترجم پسر خدا را به صورت فرزند خدا ترجمه کرده است . این ترجمه برای یک فردی که با زمینه فرهنگی و مذهبی اسلام بزرگ شده است باید توضیح داده شود . خدا یکی است و دوتا نیست و کسی را نزاییده است بلکه خدای قادر مطلق برای نجات فرزنداناش به صورت ما شد تا جریمه گناهان ما را پرداخت کند .

چه کسی فرزند خداست؟

شما و من (بخاطر دریافت مسیح به عنوان خدا و نجات دهنده)

عیسی مسیح خود را که میخواند؟

من پسر خدا هستم

عیسی مسیح خود را پسر خدا بمعنی اینکه من خدائی هستم که جسم پوشیدم اعلام میکند که یهودیان معنی آن را میدانستند و هر موقع او این را اعلام میکرد آنها سنگ برمیداشتند که او را سنگسار کنند. او نمخواست که از نظر الهیاتی غلط صحبت کند اگر میگفت که من خدا هستم بدون اینکه پسوند پسر در این صورت در فکر یک یهودی کلمه خدا به پدر یعنی بعد روح اطلاق میشد و مسیح در بعد جسم بود نه در بعد روح که فقط بگوید من خدا هستم بلکه خدا بود ولی از بعد روح به بعد ماده و جسم آمده بود. پسر خدا یک لقب است و معنی روحانی دارد نه پسر بعنوان زاده شده و عضو خانواده یک پدر جسمانی فرزند پسر داشته باشد.

آیا کسی را که پدر تقدیس کرده، به جهان فرستاد، بدو می‌گویید کفر می‌گویی، از آن سبب که گفتم پسر خدا هستم؟

یوحنا ۱۰: ۳۶

من پسر انسان هستم

این لقب خدا در جسم است که دوباره در عهد قدیم به آن اشاره شده است. دانیال نبی در وقتی در ایران رویا دید و خدا را ملاقات کرد گفت که او را به صورت پسر انسان دیدم. به آیه دانیال ۷: ۱۳-۱۴ مراجعه کنید.

زیرا که پسرانسان آمده است تا گمشده را بجوید و نجات بخشد.

لوقا ۱۹: ۱۰

من و پدر یک هستیم

عیسی مسیح وقتی میگفت که من و پدر یک هستیم برای یک یهودی که کتب را خوانده بود کاملاً این معنی را داشت که او خود را خدا خطاب میکند. معنی همین آیه در آیه ۳۳ همین فصل ۱۰ نمایان است. یهودیان با شنیدن این حرف سنگ برداشتند که او را سنگسار کنند و مسیح پرسید به سبب چه مرا سنگسار میخواهید کنید؟ میگویند که بخاطر این که تو را انسان مبینیم و تو میگوئی که خدا هستی. پس من و پدر یک هستیم یک ادعای خدائی بود.

من و پدر یک هستیم.

یوحنا ۱۰: ۳۰

عیسی مسیح خود را که میخواند؟

من اول و آخر (الف و یا) هستم

در این آیه مسیح خود را اول و آخر میخواند یعنی همچیز در او خلاصه شده است. در عهد عتیق در کتاب اشعیا نبی ۴۸ : ۱۲ یهوه (خدا) خود را اول و آخر معرفی میکند. و با این حرف مسیح میگوید که من یهوه هستم.

من هستم الف و یا، اول و آخر، « می گوید آن خداوند خدا که هست و بود و می آید، قادر علی الاطلاق

مکاشفه ۱ : ۸

من راه هستم

عیسی مسیح خود میگوید که من راه هستم نه آن که آمده ام و راه رسیدن به خدا را نشان بدهم. او کتاب نیاورد یا راه را نشان نداد بلکه او گفت من خودم راه هستم. پس انسانها در دنیا بوسیله مذاهب میخوانند که راه را به خدا پیدا کنند . و میگویند همه راه ها بالاخره به خدا ختم میشود، ولی خدا میگوید همه راه ها به تاریکی و دوری و مرگ است فقط من هستم که میتوانم بیایم و شما را با خود ببرم.

من راستی (حقیقت) هستم

عیسی مسیح میگوید که من راستی و حقیقت مطلق هستم . لغت حق یا حقیقت که به خدا تعلق دارد را مسیح به خود میگوید. در آیه یوحنا ۸ : ۳۲ خود مسیح میگوید که حق (حقیقت) را خواهید شناخت و حق شما را آزاد خواهد کرد. و توضیح میدهد که این حق و حقیقت خود او پسر خداست. به آیه یوحنا ۸ : ۳۶ رجوع کنید.

من حیات هستم

حیات بمعنی زندگی ابدی، منشأ حیات و زندگی فقط مختص خدا است و بس . مسیح این را به خود میگوید.

عیسی بدو گفت: «من راه و راستی و حیات هستم. هیچ کس نزد پدر جز به وسیله من نمی آید

یوحنا ۱۴ : ۶

عیسی مسیح خود را که میخواند؟

من قیامت هستم

در آخر اوست که بر میگردد و اوست که در روز آخر ما را میتواند قضاوت کند. هیچ کس بجز خدا در روز قیامت با ما ملاقات نمیکند. هیچ انسانی و نه پیامبری و نه امامی در آخر برای قیامت ما ایستاده و میآید بغیر از خود خدا به صورت پسر خدا که میگوید من قیامت هستم. به دنبال هیچ انسانی نباشید که باز گردد. همه انسانها مرده اند همه پیامبران و امامان مرده اند و در روز قیامت همه آنها در مقابل عیسی مسیح برای نامه اعمالشان خواهند ایستاد. معنی دیگر این ادعا این است که همه کس و همه چیز در حال حاضر در او قیام دارد یعنی متصل و پارتی و اگر او دست خود را از روی ما و جهان بردارد ما منفجر میشویم. در اتم قدرتی است که اجزای آنرا از هم دفع میکند. ولی به طور ماورای طبیعه که حتی دانشمندان به آن اذان میکنند قدرتی است که اجزای این اتم را به هم متصل کرده و انرژی را میگویند وجود دارد که این جزو کوچک روی زمین را که همه ما از اجزای آن درست شده ایم را به هم متصل کرده که اگر نبود، اتم منفجر میشد و دنیا منفجر میشد. این قدرت اسمش خداست. و یا همان انرژی که دانشمندان به دنبال کشف آن هستند که با شناخت مسیح به این کشف میرسند. به آیه کولسیان ۱: ۱۷ مراجعه کنید.

یوحنا ۱۱: ۲۵

عیسی بدو گفت: «من قیامت و حیات هستم. هر که به من ایمان آورد، اگر مرده باشد، زنده گردد»

من نور عالم هستم

عیسی مسیح با اعلام نور میگوید که من منشأ نور هستم. ما میدانیم که خدا نور است که در یوحنا ۱: ۲-۳ میخوانیم. عیسی مسیح میگوید من همان خدا هستم. همه ما میدانیم که از جنس تاریکی شده ایم و از نور (خدا) جدا شده ایم ولی نور به روی زمین آمد که من تاریک را روشن و نور سازد. عیسی ما را بعد از نجات نور عالم میخواند نه آنکه ما نیز خدا هستیم بلکه به واسطه تابیدن نور عالم به ما، ما نیز تبدیل به نور شده ایم و برای او باید بدرخشیم به آیه متی ۵: ۱۴ رجوع کنید.

یوحنا ۸: ۱۲

پس عیسی باز بدیشان خطاب کرده، گفت: «من نور عالم هستم. کسی که مرا متابعت کند، درظلمت سالک نشود بلکه نور حیات را یابد.»

من شبان نیکو هستم

عیسی خود را شبان نیکو میخواند که فقط لقب خود یهوه (خدا) در عهد عتیق بوده است. مزمور ۲۳ را همه ما حفظ هستیم. در باره خدای یکتا حرف میزنند. در جای دیگر در اشعیا ۴۰: ۱۱ خدا اعلام میکند که به صورت شبان به روی زمین میآید و این پیشگویی در وقت معین انجام شد.

یوحنا ۱۰: ۱۱

من شبان نیکو هستم. شبان نیکو جان خود را در راه گوسفندان می نهند.

عیسی مسیح خود را که میخواند؟

من قبل از آنکه ابراهیم باشد من هستم

این جمله از نظر دستوری به نظر غلط میآید ولی در حقیقت درست است. این جمله میگوید که من هستم همان هستی هستم و در هر حال من منشأ حیات هستم و حاضر در همه جا. او خدائی است که به زمان وابسته نیست و همیشه میبایست برای او زمان حاضر دستوری را بکار برد. مسیح خود را هستی میخواند. اگر این جمله را بخواهیم به زبان دستوری بنویسیم که ما متوجه بشویم میبایست خوانده شود که قبل از اینکه ابراهیم به دنیا بیاید، من بوده ام و هستم و خواهم بود. این مطلب را نیز از زبان یحیی تعمید دهنده شنیدیم که میگفت "مردی بعد از من میآید که پیش از من شده است زیرا که بر من مقدم بود" یوحنا ۱ : ۳۰ در اینجا او نیز او را که از نظر جسمانی ۶ ماه بعد از تولد یحیی بدنیا آمده بود میگوید که شده است. یعنی بوده است.

یوحنا ۸ : ۵۸

عیسی بدیشان گفت: «آمین آمین به شما می گویم که پیش از آنکه ابراهیم پیدا شود من هستم»

من مرده شدم و اینک تا ابدالابد زنده هستم

در این آیه عیسی با یوحنا ملاقات میکند و عیسی خود را معرفی میکند. که او تا ابد زنده است.

مکاشفه ۱ : ۱۸

ومرده شدم و اینک تا ابدالابد زنده هستم وکلیدهای موت و عالم اموات نزد من است

شاگردان او را که میخوانند؟

کلمه که خداست و جسم پوشید به میان ما آمد

در این آیه روح خدا از طریق یوحنا اعلام میکند که خدا به روی زمین آمد.

یوحنا ۱: ۲-۲

^۱ در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود. ^۲ همان در ابتدا نزد خدا بود

یوحنا ۱: ۱۴

^{۱۴} و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، پراز فیض و راستی و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر.

تو مسیح پسر خدای زنده هستی

در این آیه پطرس بوسیله روح خدا (از طرف خدای پدر) اعلام میکند که تو پسر خدای زنده هستی. یعنی خدای جسم پوشیده.

متی ۱۶: ۱۶

شمعون پطرس در جواب گفت که «تویی مسیح، پسر خدای زنده!»

تو خداوند و خدا هستی

در این آیه توما یکی از شاگردان که شکاک بود با دیدن عیسی و جای سوراخ دست و کمر او اعلام میکند که تو خدا هستی. عیسی در جواب او نگفت ساکت شو چرا توما کفر میگوئی. بلکه او را تائید کرد و گفت خوشا به حال تو توما و خوشا بحال ما که او را به جسم ندیده ایم ولی ایمان داریم که او خداست و خداوند زندگی ماست .

یوحنا ۲۰: ۲۸

توما در جواب وی گفت: «ای خداوند من وای خدای من.»

تو خداوند و خدا هستی

در این آیه توما یکی از شاگردان که شکاک بود با دیدن عیسی و جای سوراخ دست و کمر او اعلام میکند که تو خدا هستی. عیسی در جواب او نگفت ساکت شو چرا توما کفر میگوئی. بلکه او را تائید کرد و گفت خوشا به حال تو توما و خوشا بحال ما که او را به جسم ندیده ایم ولی ایمان داریم که او خداست و خداوند زندگی ماست .

شاگردان او را که میخوانند؟

«من هستم الف و یاء اول و آخر،» می‌گوید آن خداوند خدا که هست و بود و می‌آید، قادر علی الاطلاق

مکاشفه ۱: ۸

عیسی خدای حق است

در این آیه یوحنا به همه ما اعلام میکند که او پسر خدا خود او حق است یعنی خود خدا.

اما آگاه هستیم که پسر خدا آمده است و به ما بصیرت داده است تا حق را بشناسیم و در حق یعنی در پسر او عیسی مسیح هستیم. اوست خدای حق و حیات جاودانی.

اول یوحنا ۵: ۲۰

مسیح جسم پوشیده خدای متبارک است

در این آیه پولس کاملا به وضوح اعلام میکند به مسیحیان رومی که عیسی خداست.

که پدران از آن ایشانند و از ایشان مسیح بحسب جسم شد که فوق از همه است، خدای متبارک تا ابدالابد، آمین.

رومیان ۹: ۵

خدا در جسم ظاهر شد

در این آیه پولس به تیموتاوس و همه ما با هدایت روح خدا مینویسد که خدا جسم پوشید. در ترجمه اصل کلام این لغت "خدا" همان "ته اوس" لغت یونانی است که فقط به خدای واحد تعلق دارد.

وبالاجماع سر دینداری عظیم است که خدا درجسم ظاهر شد و در روح، تصدیق کرده شد و به فرشتگان، مشهود گردید و به امتها موعظه کرده و در دنیا ایمان آورده و به جلال بالا برده شده.

اول تیموتاوس ۳: ۱۶

خدا با خون خودش ما را خرید

در این آیه لوقا از طریق روح خدا اعلام میکند که خود خدا با خودش کلیسا را خریده است. همه ما میدانیم که عیسی مسیح با خون خود کلیسا را خریده است. در این آیه دوباره به این اشاره میکند که همان کسی که میگوید که با خود خودش کلیسا را خریده یعنی عیسی مسیح ناصری همان خداست.

پس نگاه دارید خویشتن و تمامی آن گله را که روح القدس شما را بر آن اسقف مقرر فرمود تا کلیسای خدا را رعایت کنید که آن را به خون خود خریده است.

اعمال رسولان ۲۰: ۲۸